





# مخبر در حرکت تیرا بین

ایران به تازم ده

## جدال مرگ و زندگی

اگر نگاهی به متون تاریخی مربوط به سیر زندگی اجتماعی انسان‌ها داشته باشیم، تکرار فضولی از وقایع ناگوگران در آن خواهد دید که چرایی آن برمی گردد به سرشت و سرنوشت بشر. همواره جدال مرگ و زندگی همزاد و همراه انسان بوده است. در ادبیات فارسی و تاریخ کهن آن تا امروز، بخش مهمی از شعر و نثر در دایره مفهومی یا چرایی مرگ و زندگی و چگونگی آن چرخیده است. «مرگ» اگرچه مظهر پوچی و پایان مرحله‌ای از سیر حیات است، اما در عین حال به تقدس غنیمت و ارزش داده است؛ لاجرم زندگی در ترس از «مرگ» تقدس‌ی شده است، تعریف شده است و اصالت داده شده است که پویایی تاریخ بشری فرار از مرگ و در تداوم زندگی است حتی اگر مرگ عارضی باشد. اما آنجا که «مرگ» یعنی «عذل» تعریف شده است، فریاد حکیم و شاعر بزرگ ما «فردوسی» را به آسمان برده که می‌گوید: «اگر مرگ داد است، پیداد چیست؟»، «ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟»

اکتون کرونا، جدال مرگ و زندگی را در سراسر عالم فراگیر کرده

است و کسی را در تقابل با اصل این جدال و فراگیری آن اراده‌ای نیست

اما امروز دو مصاحبه در این جدال موضوع روز و رسانه‌ای شده‌اند. مصاحبه اول سخنان رئیس جمهوری ما است که در جلسه شورای مرکزی ستاد مبارزه با کرونا تیزر اول مطبوعات شده است که «رئیس جمهوری وضعیت سلمات ۶۰ میلیون ایرانی از نسبت به همه‌گیری کرونا تشریح کرد و گفت «تاکنون، گزارش ابتلای ۲۵ میلیون را داریم و احتمال ۳۵ میلیون را می‌دهند»

رئیس جمهوری در گزارشی معناتست تحقیق وزارت بهداشت استناد کرد و آمار و ارقام کرونایی را با مردم در میان گذاشت و گفت: «براساس این گزارش ۲۵ میلیون نفر به کرونا مبتلا شده‌اند، ۱۴ هزار نفر بر اثر ابتلا درگذشته‌اند، مجموعاً ۲۰۰ هزار نفر در بیمارستان‌ها بستری بوده‌اند، ۳۰ تا ۳۵ میلیون نفر دیگر احتمالاً مبتلا خواهند شدد و تعداد بستری‌ها تا پایان سال تقریباً دو برابر آن خواهد است که در ۱۵۰ روز گذشته یعنی از زمان شروع این ویروس در ایران تاکنون شاهد بوده‌ام. همچنین براساس این گزارش از هر ۱۰۰۰ نفر مبتلا، تقریباً ۲۰۰ نفر بدون علامت، ۳۵نفر با علائم خفیف و ۱۵۰ نفر هم به بستری شدن در بیمارستان نیاز پیدا می‌کنند»

دکتر روحانی رئیس جمهوری با شرحی که از شرایط حساس

کنونی کشور به‌لحاظ اپیدمی کرونا و هم‌زمان تحریرها و اجرای فشار

حاکمتری آمریکا (تراب) داد گفت: «هم‌زمان با مبارزه فراگیر با کرونا،

باید تاب‌آوری ملی جامعه را در دو بخش سلامت و اقتصادی بالا برد».

مصاحبه با گزارش دوم از دبیر کل سازمان ملل است، که در آن شرایط کنونی جهان در برابر مرگ آفرینی ویروس کرونا را تشریح کرده است، جهان به دو زمان، مرگ آفرینی کرونا و فاجعه بعد از آن بدلحالت فردزدگی، فروپاشی‌های مالی و اقتصادی و اجتماعی ...»

دبیر کل سازمان ملل در این گزارش می‌گوید: «جهان در آستانه

از هم پاشیدگی است، گوترش گفت: «اختلاف درآمدها کاملاً واضح است، طوری که ۲۶ ثروتمند جهان به اندازه نیمی از کل انسان‌های دنیا پول و ثروت دارند»

دبیرکل سازمان ملل گفت: «ویروس مرگ‌بار کرونا، سروش از نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و... را در جهان و وسعت فردزدگی و تقابل مرگ و زندگی در اغلب کشورها و جوامع را برداشت.

این مرگ دو مصاحبه، سخنان رئیس جمهوری ایران و دبیر کل سازمان ملل، آژیر خطر بزرگی را به صدا درآورده‌اند که امروز در همه جای دنیا و کشورها، جدال مرگ و زندگی اصلی‌ترین نمایه از تلاش مردم و جوامع است. اگر برخی از فیلسوفان نوشته یا گفته‌اند که اپیدمی ویروس کرونا، تاریخ زیست جوامع، همچنین مجموعه قواعد بین‌المللی را به هم ریخته است و دوره متفاوتی از جدال مرگ و زندگی را رقم زده است، شرحی بر واقعیت امروز است. این جدال را به تجربه تاریخ بشری یابانی نیست حتی اگر شکوفه زندگی، مرگ را کنار زند و به فراموشخانه تاریخ سپارد. سیاسی این جدال را حکیم مافردوسی بزرگ به نیکیوی سروده است. این زمان و زمانه ما را با آن محک می‌زنم:

«اگر تندبادی برآید ز کنج به خاک افکند راسیده تریخ ستمکاره خواینیش را دادگزر؟

اگر مرگ دادمست پیداد چیست؟
هرمند داینمش ار می‌هنر؟

ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟
زبسن راز جسان تو آگاه نیست

بدین پرده اندر تو را راه نیست»

## عراقچی: طالبان در ایران دفتر ندارد

سید سیدحاج عراقچی معاون سیاسی وزیر امور خارجه در گفتگو با شبکه طلوع نیز افغانستان درباره حضور طالبان در ایران و داشتن دفتر گفت: طالبان در ایران دفتر ندارند.

وی افزود: این یک واقعیت است که آمریکا که خود را متحد افغانستان حساب می‌کندبا طالبان درباره آینده افغانستان مذاکره و معامله کرده است. معاون سیاسی وزیر امور خارجه همچنین درباره شورای مشهد گفت: ممکن است طالبان برای خود شورای مشهد درست کرده باشند اما از نظر ما موضوعیت ندارد.

وی در پاسخ به خبرنگار این شبکه درباره اینکه تماس‌های ایران با طالبان چه زمانی برقرار شد ؟ گفت: مدتی است که آغاز شده است و اگر بخواهم تهران فرصت خوبی هم می‌شود گفت چندسال. همانطور که با همه گروه‌ها تماس داشتیم با آنها (طالبان) هم تماس داشتیم، نظر ایشان را شنیدیم و نظر اتحاد خودمان را هم گفتیم.

عراقچی همچنین درباره میزان رابطه ایران با طالبان گفت: همه می‌دانند که طالبان را چه کسی ساخته و حمایت کرده و اکنون هم چه کسی در حال مذاکره و معامله با آنهاست. این یک واقعیت تاریخی است که آمریکا که خود را متحد افغانستان می‌داند، با طالبان مذاکره ، معامله و توافق کرده است. اما با طالبان هیچ رابطاتی به این شکل نداریم.

وی تاکید کرد: آمریکا در غیاب دولت افغانستان رسماً با طالبان مذاکره و معامله کرده است و با یکدیگر درباره آینده افغانستان معامله کرده‌اند.

معاون سیاسی وزیر امور خارجه همچنین در پاسخ به ادعایی درباره حضور ملاخبر منصور در سال ۲۰۱۶ در ایران گفت: من اطلاع ندارم. عراقچی همچنین در پاسخ به سئوالی در این باره که اتهاماتی مطرح می‌شود که ایران طالبان را تجهیز می‌کند، خطاب به مجری شبکه طلوع نیز گفت: کسانی سعی می‌کنند ایران را دشمن افغانستان نشان دهند؛ حداقل شما در این دام نیفتید.

## هاشمی:شرکت واگن سازی تهران به خاطر عدم تمدید قرارداد شهرداری تعطیل شد

رئیس شورای شهر تهران گفت: روز شنبه و با تحویل آخرین قطارهای در دست ساخت شرکت واگن سازی تهران، این کارخانه مهم داخلی به دلیل اجرائی نشدن قرارداد ساخت ۶۵۰ واگن سازی تعطیل شد و ۵۰۰ نیرو بیکار شدند.

به گزارش مهر، محسن هاشمی‌دیزوز در جلسه علنی شورای شهر تهران،

با اشاره به این که در این شرایط، حمل و نقل عمومی یکی از گلوگاه‌های انتقال نیروی سرکاست، خاطرنشان کرد: با توجه به عدم تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی و اداری و تصمیم ستاد ملی کرونا، تنها راه کاهش ابتلای شهروندان، افزایش ظرفیت سیستم حمل و نقل عمومی است که متأسفانه در حال‌های اخیر

با کاهش منابع و اعتبارات آن مواجه شده‌ام که شدت احساس می‌شود.

وی با بیان این که روز شنبه و با تحویل آخرین قطارهای در دست ساخت شرکت واگن سازی تهران، این کارخانه مهم داخلی به دلیل اجرائی نشدن

قرارداد ساخت ۶۵۰ واگن سازهی تهران، این کارخانه مهم داخلی به دلیل اجرائی نشدن دولتی مانده است، تعطیل شد. گفت: تعطیلی کارخانه واگن سازی تهران به بیش از هزار واگن را برای مترو تهران تولید کرده است و با وجود توجیه مقام عظیم رهبری برای حمایت از مترو در سال جهش تولید باید متوجه شردنکی مسئولان مربوطه شود.

هاشمی ادامه داد: کارخانه واگن سازی ۱۵ سال است فعالیت می‌کند و سالی ۱۰۰ واگن تولید کرده و به شرکت بهره‌برداري داده است، ولی متأسفانه خود قرار داد جدیدی ندارد از فعالیت این افتد و خواهش می‌کند از شهردار تهران برای فوریت کردن قرار داد چندده واگن را با واگن سازی داخلی به دلیل وی تاکید کرد:شهرداری از منابع در اختیارش پول بدهد تا فعلاً بدنه و دکوراسیون واگن‌ها ساخته و تجهیزات خریداری شود و روی آنها نصب شود.

بقیه در صفحه ۱۴

نمایندگان مجلس در نشست

دیروزخود یک فوریت طرحی را برای تأمین

کالاهای اساسی تصویب کردند.

به گزارش ایرنا، جبار کوچکی نژاد، نماینده دشت در مجلس به عنوان نماینده درخواست‌کنندگان یک فوریت این طرح گفت: این طرح شبکه توزیع را اصلاح و دست‌اندلالان واسطه‌گران و واحدهای اقتصادی که در کمین هستند را کوتاه می‌کند.

وی افزود: این طرح یارانه‌ها را هدمفند می‌کند و به واسطه آن مردم می‌توانند از عنایت نظام جمهوری اسلامی‌برخوردار ششوند. همه می‌دانند که سلامت مردم در خطر است زیرا اساساً آمار ارائه شده از سوی مرکز پژوهش‌ها ازجمله مردم از کالاهای اساسی مانند گوشت و بسیاری از اقلامی که باید سلامت مردم را تأمین کند، بسیار کمتر شده است و این سلامت مردم را به خطر می‌اندازد.

نمایند رشت در مجلس گفت: فوریت این طرح درخواست همه مردم و اینجمنه است و ششراهی زیادی از جامعه ازجمله افراد زیر پوشش کمیته امداد و بهریتی را هدف قرار داده است.

طرح کشریعی تیسر، در موافقت با این مارک گفت: بسیاری اقتصاد کشور دچار بیماری رکود و تورم است که باید درمان شود. سسلول‌های یکپزش دچار آسیب و نیازمند تقویت است، باید از افتشمار کم‌دزد شد.

رئیس جمهوری با اشاره به شرایط سخت ناشی از جنگ اقتصادی، تحریم‌ها و فشارهای حاکمتری آمریکا و همچنین محدودیت‌های غیر قابل اجتناب شیوع کرونا در کشور، تصریح کرد: دولت مطمئن با نگرشی واقع‌بنیانه به شرایط سخت کنونی و در عین حال با اتکا به توانمندی‌های داخلی و راه‌حل‌های عملیاتی و عینی به دور از شعارهای تبلیغی، برای حل مشکلات کشور تلاش می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین دکترحسن روحانی دیروز در جلسه

ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، افزود:تعیین راه‌حل‌ها باید برگرفته از ننگاره روایی و فارغ از حقایق اقتصادی کشور یا گزارش‌های ناامید کننده و بدبینانه نسبت به توانایی‌ها و ظرفیت‌های کشور باشد.

وی گفت: با بهره‌گیری از تجربه‌های کارگزاران سابق، نماینده با تحمیل شرایط سخت اقتصادی، با همراهی مردم، فعالان و کارشناسان دقیق دستورالعمل‌ها از سوی دستگاه‌های مرتبط برای رونق

بخشیدن به تولید و تأمین مواداولیه

و کالاهای اساسی، تصمیم جدی دولت تدبیر و امید است که باید با

دقت دیالی با اشاره به پیشرفت‌هایی

که در زمینه ثبت اطلاعات، نحوه

وزیر امور خارجه جمهوری

اسلامی‌ایران از نتایج گفتگوهای

خود با مقامات عراقی ابراز رضایت

کرد و گفت:بفدا-دعای برای اجرای

توافقات با جمهوری اسلامی‌ایران

جدی است.

محمدجوادظریف‌روزیکشنیه در گفتگو با ایرنا درباره دیدارهایش

با رهبران سیاسی عراق با اشاره به

دستاورد رازینی‌هایدیروز خود با

رئیس جمهوری، نخست وزیر و

وزیر امور خارجه عراق و تعدادی

از رهبران سیاسی این کشور تاکید

کرد که ش-شاهد وجود اراده جدی

در طسرف عراقی برای اجرای این

توافقات است.

وزیر امور خارجه

اسلامی‌ایران از نتایج گفتگوهای

خود با مقامات عراقی ابراز رضایت

کرد و گفت:بفدا-دعای برای اجرای

توافقات با جمهوری اسلامی‌ایران

جدی است.

محمدجوادظریف‌روزیکشنیه در گفتگو با ایرنا درباره دیدارهایش

با رهبران سیاسی عراق با اشاره به

دستاورد رازینی‌هایدیروز خود با

رئیس جمهوری، نخست وزیر و

وزیر امور خارجه عراق و تعدادی

از رهبران سیاسی این کشور تاکید

کرد که ش-شاهد وجود اراده جدی

در طسرف عراقی برای اجرای این

توافقات است.

وزیر امور خارجه

اسلامی‌ایران از نتایج گفتگوهای

خود با مقامات عراقی ابراز رضایت

کرد و گفت:بفدا-دعای برای اجرای

توافقات با جمهوری اسلامی‌ایران

## خبر داخلی

## یک فوریت طرح تأمین کالا‌های اساسی تصویب شد

حمایت کنیم. در شرایط جنگ کالا‌برگ و کوپن‌هایی که آن زمان بود بخشی از نیازهای اساسی جامعه را تأمین می‌کرد و نوسان قیمت آنچنان بر مردم تأثیر جدی نمی‌گذاشت.

وی افزود: اکنون چرا شرایط جنگ اقتصادی را انکار می‌کنیم؟ آیا فشار جنگ اقتصادی بر معیشت و اقتصاد مردم کمتر از شرایط جنگ الزامی‌است؟ قطعاً دشمن تلاش می‌کند نقطه آسیب را اقتصاد و مردم را در معیشت تحت فشار قرار دهد و سرمایه اجتماعی نظام را دچار آسیب کند. ما باید با این موضوع مقابله کنیم.

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس گفت: تأمین نیازهای اساسی مردم کمک می‌کند که پیشرفت و امور اصلی کشور را بدون عدالت‌پیکری نکنیم. واقعیت‌های جامعه را باید در کف جامعه درک کنیم. افزایش قیمت‌ها در کارهای روزمره مردم، در نیازهای اولیه مردم باعث تعجب است. مردم نمی‌توانند برای وضع زندگی روزمره خود برنامه ریزی کنند و حتی باید حمایت کنیم. می‌بینیم که مردم به سختی مشکلات و دغدغه‌هایش را خروده‌ها چه نیازهایی دارند.روح الله عیاسیور، نماینده یوبین زهرا در مجلس گفت: این طرح یک فوریت این طرح است. در شرایطی که کشور به فوریت موضوع توجه کنیم که کشور دروضع عسر و حرج و ضرورت با حالت استثنایی قرار داشته باشد؛ آیا اکنون در شرایطی قرار

و مشکلات پیچیده و خاص

اقتصادی، کشور توانایی گذر از این

شرایط دشوار را دارد.

روحانی با بیان این که



تسهیل در ورود و خروج کالا در گمرکات کشور از اولویت‌های مهم دولت در حوزه تجارت است.

گفت:ترخیص کالا در کوتاهترین زمان همراه با شفافیت و اجرای دقیق دستورالعمل‌ها از سوی دستگاه‌های مرتبط برای رونق بخشیدن به تولید و تأمین مواداولیه و کالاهای اساسی، تصمیم جدی دولت تدبیر و امید است که باید با دقت دیالی با اشاره به پیشرفت‌هایی که در زمینه ثبت اطلاعات، نحوه

## اراده جدی ایران و عراق برای اجرای توافقات وگسترش همکاری‌ها

رهبر جریان حکمت ملی عراق هم در دیدار با ظرفی بر عاله تلاش‌ها برای اخراج نیروهای آمریکایی از عراق تاکید کرد. سید عمار حکیم با تاکید بر اینکه سفر آقای ظریف درحارچوب تعمیق روابط میان دو کشور است، گفت: دولت فعلی عراق پس از بن بست سیاسی و تقاطراتی بر سر پیش‌های مختلف عراق در سر کار آمد.

وی در ادامه با اشاره به موضوع خروج نیروهای آمریکایی از عراق تاکید کرد: تلاش سیاسی از طریق گفتگو برای اخراج نیروهای خارجی از عراق در جریان است.حکیم با

مقاومت، مهمترین مسائل منطقه‌ای وین‌المللی وسایر موضوعات مورد علاقه رازینی و تبادل نظر شد. وزیر امور خارجه همچنین درینباد با مصطفی الکاظمی‌نخست وزیر عراق ملاقات کرد.

به گزارش ایرنا در این دیدار که ایرج مسجدی سفير ايران در بغداد نیز حضور داشت، دو طرف پیرامون توسعه مناسبات دو جانبه وراهبهای توسعه آن بحث و گفتگو کردند.

وزیر امور خارجه عراق و تعدادی از رهبران سیاسی این کشور تاکید کرد که ش-شاهد وجود اراده جدی در طسرف عراقی برای اجرای این توافقات است.

وزیر امور خارجه

اسلامی‌ایران از نتایج گفتگوهای

خود با مقامات عراقی ابراز رضایت

کرد و گفت:بفدا-دعای برای اجرای

توافقات با جمهوری اسلامی‌ایران

جدی است.

محمدجوادظریف‌روزیکشنیه در گفتگو با ایرنا درباره دیدارهایش

با رهبران سیاسی عراق با اشاره به

دستاورد رازینی‌هایدیروز خود با

رئیس جمهوری، نخست وزیر و

وزیر امور خارجه عراق و تعدادی

از رهبران سیاسی این کشور تاکید

کرد که ش-شاهد وجود اراده جدی

در طسرف عراقی برای اجرای این

توافقات است.

وزیر امور خارجه

اسلامی‌ایران از نتایج گفتگوهای

خود با مقامات عراقی ابراز رضایت

کرد و گفت:بفدا-دعای برای اجرای

توافقات با جمهوری اسلامی‌ایران

جدی است.

## خبر داخلی

## یک فوریت طرح تأمین کالا‌های اساسی تصویب شد

گرفتیم که باید ضرورت پیش بیاید که این کار را بگیریم؟ اگر اوایل انقلاب در شرایط سخت و عسور حرج قرار می‌گرفتیم و وضعی بودیم که به واسطه احکام اولیه برای اداره کشور با مشکل مواجه می‌شدیم. حکم حکومتی می‌گرفتیم و احکام ثانویه پیش می‌آمد موضوع کالا‌برگ‌ها را مطرح می‌کردیم. اما اکنون -که هنوز علیرغم مشکلات موجود به آن شرایط و موقعیت نرسیده است که بخواهیم آسیب را برای مردم داشته باشیم- این موضوع می‌تواند اضطراب را بر جامعه تحمیل و بازار را دچار التهاب و بحران کند.

وی افزود: این موضوع همچنین کد غلط دادن به دشمن است و به واسطه این طرح دشمنانی که در شرایط تحریم ما را قرار داده اند فکر می‌کنند که بسیار موفق

بودند، در نتیجه به تسدست تحریم دامن می‌زنند و مشکلات را بیشتر می‌کنند.

نماینده یوبین زهرا در مجلس ادامه داد:

اکنون کارت معیشت را برای مردم تعریف کرده‌ایم و اگر به فکر افزایش آسیب پذیر کنیم -می‌بینیم که مردم به سختی مشکلات و دغدغه‌هایش را خروده‌ها چه نیازهایی دارند.روح الله عیاسیور، نماینده یوبین زهرا در مجلس گفت: این طرح یک فوریت این طرح است. در شرایطی که کشور به فوریت موضوع توجه کنیم که کشور دروضع عسر و حرج و ضرورت با حالت استثنایی قرار

جدی‌تر ورود کرد

محمدباقر قلی‌اب، رئیس مجلس هم

و مشکلات پیچیده و خاص

اقتصادی، کشور توانایی گذر از این

شرایط دشوار را دارد.

روحانی با بیان این که

تسهیل در ورود و خروج کالا در گمرکات کشور از اولویت‌های مهم دولت در حوزه تجارت است.

گفت:ترخیص کالا در کوتاهترین زمان همراه با شفافیت و اجرای دقیق دستورالعمل‌ها از سوی دستگاه‌های مرتبط برای رونق بخشیدن به تولید و تأمین مواداولیه و کالاهای اساسی، تصمیم جدی دولت تدبیر و امید است که باید با دقت دیالی با اشاره به پیشرفت‌هایی که در زمینه ثبت اطلاعات، نحوه



کند تا بر اساس آن بتوانیم برای تولید و رونق کتب و کار کشور برنامه‌ریزی کنیم.

در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، رئیس کل بانک مرکزی گزارش از وضع بازار ارز و برنامه‌های در دست اجرای این بانک برای ساماندهی بازار ارز ارائه کرد. در اعضای ستاد اقتصادی هم بر پیگیری جدی و دقیق دستورالعمل تدوین شده برای تنظیم بازار ارز تاکید کرد.

خبردیگراکسن رئیس

## اراده جدی ایران و عراق برای اجرای توافقات وگسترش همکاری‌ها

رهبر جریان حکمت ملی عراق هم در دیدار با ظرفی بر عاله تلاش‌ها برای اخراج نیروهای آمریکایی از عراق تاکید کرد. سید عمار حکیم با تاکید بر اینکه سفر آقای ظریف درحارچوب تعمیق روابط میان دو کشور است، گفت: دولت فعلی عراق پس از بن بست سیاسی و تقاطراتی بر سر پیش‌های مختلف عراق در سر کار آمد.

وی در ادامه با اشاره به موضوع خروج نیروهای آمریکایی از عراق تاکید کرد: تلاش سیاسی از طریق گفتگو برای اخراج نیروهای خارجی از عراق در جریان است.حکیم با

مقاومت، مهمترین مسائل منطقه‌ای وین‌المللی وسایر موضوعات مورد علاقه رازینی و تبادل نظر شد. وزیر امور خارجه همچنین درینباد با مصطفی الکاظمی‌نخست وزیر عراق ملاقات کرد.

به گزارش ایرنا در این دیدار که ایرج مسجدی سفير ايران در بغداد نیز حضور داشت، دو طرف پیرامون توسعه مناسبات دو جانبه وراهبهای توسعه آن بحث و گفتگو کردند.

وزیر امور خارجه عراق و تعدادی از رهبران سیاسی این کشور تاکید کرد که ش-شاهد وجود اراده جدی در طسرف عراقی برای اجرای این توافقات است.

وزیر امور خارجه

اسلامی‌ایران از نتایج گفتگوهای

خود با مقامات عراقی ابراز رضایت

کرد و گفت:بفدا-دعای برای اجرای

توافقات با جمهوری اسلامی‌ایران

جدی است.

محمدجوادظریف‌روزیکشنیه در گفتگو با ایرنا درباره دیدارهایش

با رهبران سیاسی عراق با اشاره به

دستاورد رازینی‌هایدیروز خود با

رئیس جمهوری، نخست وزیر و

وزیر امور خارجه عراق و تعدادی

از رهبران سیاسی این کشور تاکید

کرد که ش-شاهد وجود اراده جدی

در طسرف عراقی برای اجرای این

توافقات است.

وزیر امور خارجه

اسلامی‌ایران از نتایج گفتگوهای

خود با مقامات عراقی ابراز رضایت

کرد و گفت:بفدا-دعای برای اجرای

توافقات با جمهوری اسلامی‌ایران

جدی است.

محمدجوادظریف‌روزیکشنیه در گفتگو با ایرنا درباره دیدارهایش

با رهبران سیاسی عراق با اشاره به

پس از تصویب یک فوریت این طرح گفت:

طرح‌های مشابهی در این باره ارائه شده است و اگر این طرح تکمیل شود، از آنها

هم استفاده می‌شود؛ این طرح به معنای این نیست که در جامعه کمبود کالا داریم بلکه بحث عدالت و دسترسی دهک‌های پایین جامعه را داریم که در شرایط سخت و زمانی که ارز ترجیحی تصویب شده است این ارز به دست نیازمندان واقعی برسد و این شبکه و سیستم باید درست عمل کند.

رئیس مجلس همچنین در پاسخ به این خطر درباره وضع قیمت‌ها و اداره شدن وزارت صنعت با سرپرست اظهار داشت: حتماً این موضوع در چارچوب قانونی دنبال می‌شود، ولی در شرایط سخت اقتصادی و با توجه به آن وزارت صنعت، معدن و تجارت بخش مهمی از اقتصاد را برعهده دارد خصوصاً در حوزه پیشکشان جامعه

می‌تواند در اشتغال معیشت موثر باشد این تذکر بجهاست و ممکن است به لحاظ قانونی دولت زمان داشته باشد ولی شرایط اقتصادی

اقتضا می‌کند هرچه زودتر وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت معرفی شود.

صفید بدی، نماینده مردم اردبیل و عضو کمیسیون عمران مجلس هم با

اشاره به نابسامانی بازار مسکن اظهار داشت:

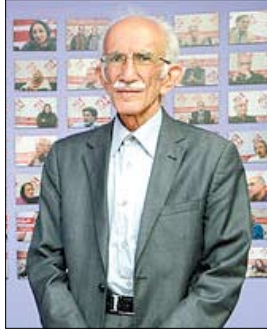
سیمان در بازار پیدا نمی‌شود قیمت مصالح ساختمانی‌ها در برابر رشد است، بطور

می‌خواهیم قیمت مسکن را کنترل کنیم در دیگربرای مردم غیر قابل تحمل است، پاسخ

مجلس به این موضوع



## غلامحسین امیر خانی در گنجینه زنده بشری ثبت شد



ناملموس» به ثبت رسیده‌است. هرگونه اقدام که موجب حفظ و احیای این میراث شود، مورد تأکید است. غلامحسینامیرخانی متولد سال۱۳۱۸در طالقان از هنرمندان نامدار خوشنویسی معاصر ایران است. او در نگارش خط نستعلیق ریز و درشت، دستی قوی و مهارتی مثال‌زدنی و فوق‌العاده دارد در حدی که بسیاری اواربرترین نستعلیق‌نویس حال حاضر ایران می‌داننداو در خط نستعلیق شاگرد استادان سیدحسین میرخانی و سیدحسن میرخانی بود و افزون بر آن از خط برخی استادان قدیمی از جمله میرعادل‌الحسنی، میرزای کلهر، عمادالکتاب، علی اکبر کلاه و... مشق کرده‌است.امیرخانی درنستعلیق‌نویسی به‌ویژه و ویژه رسید که مورد اقبال بسیاری از استادان خوشنویسی کشور قرار گرفته است.

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در نامه‌ای به استانداران تهران و قزوین مراتب ثبت نام استاد غلامحسین امیرخانی به عنوان گنجینه زنده بشری را ابلاغ کرد.
لی‌اصغر نوین‌ساز وزیر میراث‌فرهنگی، ملی‌اصغر نوین‌ساز وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خطاب به انوشیروان محسنی بندپی استاندار تهران و هدایت‌الله جمالی‌پور استاندار قزوین آمده است: در راستای اجرای ماده ۴ از قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب سال ۱۳۸۲ و مواد ۱۱ و ۱۲ از قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی حفظ میراث‌فرهنگی ناملموس مصوب سال ۱۳۸۴ و مواد ۲ و ۳ از قانون اجرایی قانون مذکور مصوب ۱۳۸۷/۱/۶ هیأت‌وزیران و با رعایت مقررات این‌نامه اجرایی مذکور، میراث‌فرهنگی ناملموس یا عنوان استاد غلامحسین امیرخانی؛ گنجینه زنده بشری در خط نستعلیق» به شماره ۲۵ در ۱۳۸۷/۱/۲۹ پام مهریابی به مناسبت نوروز باستانی فهرستملی‌انفادکرانمیراث‌فرهنگی در ۱۲تابلق، اشاره کرد.

### ماهنامه نسیم بیدار منتشر شد

نود و ششیم شماره ماهنامه فرهنگی، سیاسی نسیم بیداری منتشر و توزیع شد. در این شماره سه پرزنده با نامه‌ای پرزخ تحبز، پایان‌دادن کیشوتسیم و زن زبانی منتشر شده است.

در سرمقاله این شماره از ماهنامه، مدیر مسؤول یادداشتی را با این پررش آغاز کرده ک آبر دوره روشنفکران ایرانی به سسر آمده است؟ و او در این مطلب آورده است: روشنفکری در ایران مرجعیت خود را از دست داده است. مدت هاست شاهد ظهور یک روشنفکر اجتماعی تمام‌عیار نیستیم. توده‌اجتماعی دیگر چشم به دهان طبقه روشنفکر ندارد. اعتماد عموم مردم به جریان روشنفکری از میان رفته است و اینها از جمله عباراتی‌اند مشابه و همسان که در سالیان اخیر مکرر در محافل و مجامع و یادداشت‌های مختلف بر زبان رانده شد یا به تعبیر تحریر درآمده‌اند. مغز کلام اما یکی است: جدایی تن از سسر و عبور فاز اجتماعی از فاز سیاسی و تنگی.

پرزنده پرزخ تحرب شامل این مقالات است: نجات احزاب در گرو آسیب شناسی و ناواری، حزب هدف نیست وسیله است، احزاب نمی‌توانند از موانع عبور کنند، منافع ملی اصلا صاحب ندارد. از جمله کسانی که در این پرزنده از مطالب آنها استفاده شده می‌توان به هادی خلیکی، بهروز طربانی، احمد تقی‌زاده، محمد رضا باهر، لطف‌الله مینمی و عباس عبدی اشاره کرد.
در پرزنده پایان دن کیشوتسیم، غایت‌سبیم، عزیز عبدالکریمی، تقی آزاد ارمکی، سروش دیباغ، ناصر فکوهی، سیاوش جمادی مطلب و ... دیدگاه‌های خود را ارائه کرده‌اند.

پرزنده زن زبانی به مسأله چندهمسری در ایران پرداخته و سعی کرده با تمرکز بر تعدد زرجات به این موضوع بپردازد.
ماهنامه نسیم بیداری به صاحب‌امتیازی و مدیر‌مسؤولی سیدمحمدلمهدی طباطبایی منتشر می‌شود.

## آمار قربانیان کرونا باز هم از ۲۰۰ نفر فراتر رفت

این بیماری به ۱۴۲ هزار و ۱۸۸ نفر رسید.
سختگویی وزارت بهداشت کشور، آزمایشگاه‌های پزشکی کشور، آزمایشگاه‌های پزشکی کرونا اخست تأییدیه، مجاز به انجام آزمایش کرونا نیستند.

به گزارش مهر، قاسم جان بابایی، مدیرانحوه خدمات‌رسانی آزمایشگاه‌های پزشکی کشور، در بیانیه‌ای خطاب به مسئولان وزارت بهداشت و درمان، گفت: فضای انتظار آزمایشگاه‌های پزشکی یکی از محلهای تجمع مراجعان، از جمله بیماران و ناآالن احتمالی کووید۱۹ است. مدیریت آزمایشگاه باید ترتیبی اتخاذ کند که فاصله‌گذاری فیزیکی در آزمایشگاه رعایت شده و با هدف حداقل رساندن تراکم مراجعان و تأمین تهویه مناسب، از انتقال ویروس در صف انتظار بیماران پیشگیری شود. وی افزود:آزمایشگاه‌های پزشکی بدون‌اخت تأییدیه به‌تضمین کیفیت‌وایمنی بسوزن برای آزمایش‌های اختصاصی کووید۱۹ از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، مجاز به پذیرش و انجام آزمایش‌های اختصاصی مربوط به این بیماری نیستند و تجویز و انجام و تفسیر آزمایش‌های اختصاصی کووید در صلاحیت پزشکانی است که به دستورالعمل‌های ابلاغی وزارت بهداشت مطلع بوده و آنها را اجرا می‌کنند.

جان بابایی تأکید کرد: آزمایشگاه‌های پزشکی باید از تبلیغات و پذیرش مستقیم مراجعان خودداری کنند زیرا مراجعه مستقیم و بدون تجویز به آزمایشگاه‌های پزشکی، به‌ویژه در مورد افراد بدون علامت، باعث بر تحمیل هزینه غیر ضروری، غلبه گرمای و سردرگمی بیماران و مراجعان می‌شود.

معاون درمان وزارت بهداشت همچنین تصریح کرد: بیماران و مراجعانی‌که‌از خدمات آزمایشگاه‌های پزشکی و عدم رعایت استانداردها و تعرفه‌های مصوب ناراضی هستند، می‌توانند شکایت خود را به معاونت درمان یا مسک‌های علوم پزشکی منعکس یا از طریق شماره ۱۹۰ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی گزارش کنند.

**۲۹توی جدید کرونا**

دکترسیدمسالادات‌لاری،سختگویی وزارت بهداشت آخرین موارد بروز و فوئی‌تالسی از کرونابویروس در ۲۴ساعت گذشته در کشور را دو هزار و ۱۸۲ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹، یک هزار و ۳۳۴ بستری اعلام کرد و افزود:متأسفانه در طول روز گذشته، ۲۰۹بیمار کرونای جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌آبخشان

دکتر سیدضیاء موحد، استاد فلسفه و منطق و شاعر، در هم‌لدنیشی «پایان شب‌سخن‌سرای» ویژه‌چهلمین سالگرد گذشت‌جال‌الدین‌همای‌پاو را استعدای بزرگ و دارای جامعیت دانست و گفت: در دانشکده ادبیات، فاضل‌تر از همای نداشتیم. به گزارش خبرنگار اطلاعات، دکتر موحد در ابتدای سخن خود گفت: خوشبختانه فاضلان و شاکرانی و همای درباره فضل و تصحیح‌های درجه یک و کتاب‌های مختلفی که ایشان نوشته و جامعیتی که داشته است، بسیار گفتند. من با یک خاطره شروع می‌کنم. یادم است که در تالار فردوسی دانشگاه تهران بزرگداشتی برای درگذشت‌بدیع‌الزمان فروزفر گرفته بودند و همای یکی از سخنرانان بود. خاطری هم در آن جلسه بود و ظاهراً سخنرانی‌اش تمام شده بود. نوبت سخنرانی همای که رسید، پروریز خانلری جلسه را ترک کرد و رفتش خیلی به چشم آمد و فکر ما مشغول کرد که بین او و همای چه رخ داده بود که مهم‌تریش خانلری گرفته بودند و همای یکی از متجرحین نام‌نشدت درآشناهند. معتقد بود که عروشی را بیش از او س‌نفر کسی در ایران نمی‌داند. او روی عروشی قدیم، خیلی تعجب داشت و وقتی کتاب خانلری منتشر شد، با صراحت آن را رد کرد و در این برای خانلری خیلی گران تمام شد. بنابراین میانه خوبی با همای نداشت. وی ادامه داد: همای، ستنی‌ترین استاد دانشکده ادبیات بود و اعتقاد

## نمایشگاه بین المللی کتاب تهران امسال به‌رگز ار نخواهد شد

سختگویی شورای سیاستگذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از مصوبه این شورا مبنی بر لغو برگزاری نمایشگاه در سال جاری خبر داد. به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایوب دهقانکار اعلام کرد: طبق مصوبه این شورا، سی‌وسمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال جاری برگزار نخواهد شد. سختگویی شورای سیاستگذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: بنابر اعلام صریح دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تکلیف همگانی در پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و در راستای مصوبات ستاد ملی کرونا، توصیه‌های وزارت بهداشت مبنی بر ضرورت رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و پرهیز از برگزاری هرگونه تجمع در سطح کشور و همچنین نبود چشم‌انداز روشن در امکان برگزاری نمایشگاه در ماههای آتی شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب تهران برگزاری این دوره از نمایشگاه را در سال جاری متفی دانست.

معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری با اشاره به کاهش نرخ فاصله بین دختران با پسران بازمانده از تحصیل اظهار کرد: تلاش‌های آموزش و پرورش منجر به افزایش نرخ پوشش تحصیلی دختران شده است. به گزارش ایسنا، معصومه ابتکار در این انعقاد تهافنامه با وزارت امور و پرورش و در دیدار با وزیر و جمعی از اعضای شورای معاونان آموزش و پرورش، بر لزوم تقویت ارتباط بین پدر و مادر و سایر اعضای خانواده تأکید کرد و افزود: موضوع مهارت‌های ارتباطی و تحکیم خانواده همواره باید در برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرد. ابتکار با اشاره به آیت قرآن مجید گفت: مسأله غفاف و حجاب فقط مربوط به دختران نیست؛ لذا اگر آموزش و پرورش برنامه‌ای در این رابطه دارد باید شامل پسران نیز باشد.

معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان ادامه داد: یکی از موضوعات گفتگویی بین نسلی می‌تواند مسأله غفاف و حجاب در پسران نیز باشد. لذا مانی گفتگویی بین نسلی در معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری کارشده‌اند و سعی کرده‌ایم برنامه‌ای علمی و مستند در این زمینه ارائه

## اخبار داخلی



دکتر اصغر دادیه

در رادیو و تلویزیون اعلام می‌کنند ما در گفت‌وگوهای خرم‌را ادامه می‌دهم که دکتر در دانشکده ادبیات داشتیم؛ بریت از همای نداشتیم. اما مسأله به همین کار ختم نمی‌شود. همای ثابت‌نما‌ها معمولاً به اصفهانیان می‌آمد و افراد به دیدنش می‌آمدند. شی از محمد حقوقی خواهش کردم واسطه شود اما همای دیدار دیگری نداشت. آنجا درسیاره صادق هدایت حرف زدم. این استاد فلسفه متذکر شد: کسانی که به اعتبار آشنایی با فرهنگ جدید، فروزفر و همای را زنده می‌کنند و آنها را متجرحین نام‌نشدت درآشناهند.

من متجرح آنها را به تجدید این نسل معتقد بود که عروشی را بیش از او س‌نفر کسی در ایران نمی‌داند. او روی عروشی قدیم، خیلی تعجب داشت و وقتی کتاب خانلری منتشر شد، با صراحت آن را رد کرد و در این برای خانلری خیلی گران تمام شد. بنابراین آثارشان موجه می‌شود چه احترامی برای فرهنگمان قائل بودند. این در حالی است که برخی با کمال بی‌شرمی

موحد گفت: همای به نقل از اندازهای که قوه دافعه داشت، جاذبه نداشت و همین باعث شد افراد زیادی دورش نباشند. تجلیه‌ای که از فروزفر می‌شد از او نمی‌شد. همای از آن نظر گلمند

## دیدار غلامعلی حداد عادل با دانشجویان غیر ایرانی رشته آموزش فارسی

دانشجویان غیرایرانی رشته آفا (آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان) با رعایت نکات بهداشتی با رئیس بنیاد سعدی دیدار و گفتگو کردند. به گزارش مهر در این نشست غلامعلی حدادعادل، رئیس بنیاد سعدی، با اشاره به این‌که بیش از ۵۰سال با معلمان زبان فارسی در خارج از کشور آشنایی دارد، گفت: باید بگویم استادان زبان فارسی که بیش از ۱۰۰سال است زبان فارسی را تدریس می‌کنند به‌راحتی و خوبی‌شما به زبان فارسی صحبت نمی‌کنند و این نشان‌دهنده انتخاب خوب شما از سوی ما و مؤثر بودن حضور شما در ایران بوده است که بتوانید زبان فارسی را به این روانی و راحتی صحبت کنید و این برای ایرانیان شادی بخش است که بلداند دوستانی از خارج از کشور به

دهیم.وی به دیدگاه خوب وزیر آموزش و پرورش درباره دختران اشاره و تأکید کرد: امیادرام برای لیل به اهداف نظام بتوانیم پیش از پیش کام برداریم. ابتکار گفت: شاخص‌های هشتگانه عدالت جنسیتی درسال ۹۴م‌طور رئیس‌جمهوری تصویب شدند و اکنون به عنوان دستورالعملی برای کار در حوزه زنان و دختران و توسعه عدالت جنسیتی، مد نظر هستند. معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان تصریح کرد: براساس امر و ارقام، فاصله دختران بازمانده از تحصیل با پسران بازمانده از تحصیل بسیار کاهش‌یافته است و این موضوع نشان‌ه تلاش‌های ما برای برقراری عدالت جنسیتی است.

وی افزود: مهارت‌های ارتباطی می‌تواند برای داشتن زندگی مفید به دختران کمک کند؛ لذا برای ارتقای سطح تاب‌آوری در برابر آسیب‌های اجتماعی بین زنان و دختران و کاهش آسیب‌های اجتماعی تلاش می‌کنیم و کاهش خودکشی دختران از دستاوردهای خوب در این حوزه است.

مرکزی روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت اعلام می‌کند، نیست، ارائه آمراهایی مانند ابتلای ۲۵بیلیون ایرانی به کرونا تاکنون با مطالعه‌های سری اپیمی بر بیماری به سمت می‌آید که نشانگر وسعت گسترش بیماری است.وی افزود: باید این موضوع را به فال نیک گرفت، زیرا اگر این تعداد افراد به بیماری کرونا مبتلا شده باشند، به احتمال زیاد مجدداً به بیماری مبتلا نمی‌شوند و آتی‌بندی محافظت‌کننده در بدنشان به‌وجود آمده است. بنابراین شاید اگر روزی تا ۵۰۰درصد بیماران ایران مبتلا شوند.یونان ماسک، دستکش و... را کنار گذاشت. این‌مخصص‌بیماری‌های عفونی ادامه داد: ابتلای مجدد به کرونا برای بار دوم بسیار نادر است؛ ولی در صورتی که فردی مجدداً مبتلا شود، امکان ابتلا به نوع شدید و خفیف در او یکسان است.

وی این سؤال که چرا آمار مرگ و میر ناشی از کرونا دقیق ذکر می‌شود، اما آمار ابتلای ۲۵بیلیون ایرانی به‌آمار روزانه وزارت بهداشت مطایقت ندارد؟ پاسخ داد: حدود ۵۸۰ تا۵درصد دکتر کانونش چهارپور رئیس

کشور	تعداد کل مرگ و میرها	تعداد کل مبتلایان	تعداد کل مرگ و میرها میلیون	جمعیت
ایالات متحده	۸۳۸۳۸۹	۱۱۴۹۹۵۰	۲۲۲	۳۳۱٬۰۹۷۵۷
برزیل	۲۰۷۴۲۶	۷۸۸۱۷	۶۷۰	۲۱۲۶۳۳۲۲
هند	۱۱۰۶۱۳۵	۲۷۲۳۸	۸۰۱	۱۳۸٬۶۶۱۱۳۱
روسیه	۷۷۱۶۵	۱۳۲۲۲	۵۲۸۷	۱۵۲۹۳۶۸
آفریقای خوری	۳۵۰۸۷۹	۹۴۸۳	۹۵۱۳	۱۵۲۹۷۷۵۱
پرو	۳۳۹۵۰۰	۱۲۹۹۸	۱۰۵۳۳	۳۲۹۹۳۶۹
مکزیک	۳۳۸۹۱۳	۳۸۸۸۸	۲۶۲۷	۱۲۸۸۹۵۸۱۲
شیلی	۳۳۸۴۸	۸۴۲۵	۱۷۱۹۵	۱۹۱۱۲۴۰۰۵
اسپانیا	۳۰۱۳۲۵	۳۸۲۰۲	۶۵۷۳	۴۶۷۵۵۷۱۱
بریتانیا	۲۹۴۷۹۲	۶۵۳۰۰	۳۳۳۱	۶۹۸۰۳۵۵۲
ایران	۳۷۳۷۸۸	۱۴۱۸۸	۳۳۵۸	۸۲٬۳۸۷۸۸
پاکستان	۲۳۴۳۹۶	۵۵۶۸	۱۱۲۳	۲۲۱٬۰۷۲۸۲۴
عربستان سعودی	۲۵۰۹۰۲۰	۲۵۲۸	۷۱	۳۴۸۳۷۵۴
ایتالیا	۲۴۲۴۱۶	۳۵۰۲۲	۲۰۲۹	۶۰۲۵۷۱۲۶۵
ترکیه	۲۱۸۷۱۷	۵۷۷۵	۲۵۹۲	۸۲۴۸۱۲۵۵
نگلاند	۲۰۲۵۲۵	۶۹۱۸	۱۲۲۱	۱۶۲۷۶۶۲۹۱
آلمان	۲۰۲۶۳۱	۹۱۲۴	۲۴۱۸	۸۳۷۹۷۳۸۹
کلمبیا	۱۹۰۷۰۰	۶۵۱۶	۲۷۲۶	۵۰۹۰۸۱۲۴
فرانسه	۱۷۴۶۲۴	۳۰۱۵۲	۲۶۷۶	۶۵۸۰۸۲۹
آرژنتین	۱۲۳۲۵۴	۲۲۲۶	۷۱۰۳	۴۵۱۱۵۷۶
کانادا	۱۰۰۹۹۹۹	۸۸۳۸	۹۱۳	۳۸۷۵۷۸۶۱
قطر	۱۰۶۶۶۸	۱۵۷	۳۷۹۸۳	۲۸۰۷۸۰۵
عراق	۹۵۳۰۳	۳۷۸۱	۲۹۸	۴۰۲۵۹۰۵۴
مصر	۸۷۱۷۲	۴۴۲۱	۵۵۱	۱۰۲۳۱۷۱۶۶
الدنور	۸۶۵۲۱	۶۱۵۴	۳۱۶	۷۳۳۶۵۸۰۷

کول‌های آبی بهتر است در فضایی بیرون از ساختمان قرار داده شوند تا تأمین هوای آن‌کامل‌تر باشد. بیرون باشند و هوای داخل مجدد وارد کولر آبی نشود. دو مابین ۲۴ تا ۴۰درجه سانتیگراد و طریت ۴۰ تا ۷۰درصد حفظ شود. سیستم تهویه مکانیکی در آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی تعبیه و روشن باشد.برای برقراری جریان هوا و جابجایی هوای تازه با هوای داخل ساختمان، چند دست‌ها، نرفتن به مجالس جشن و عزا و... و رعایت فاصله‌گذاری می‌تواند. وی افزود: اگر این نکات رعایت نشوند، ماسک نیز، من به شما قول می‌دهم که مبتلا می‌شوید. کرمانپور در ارتباط با مکان‌های استفاده‌شده که ماسک، توضیح داد: در خانواده اشاره که افراد علامتی ندارند، می‌توانند بدون ماسک باشند. اما اگر یک نفر مشکوک به بیماری باشد، باید فاصله همراه با دستورالعمل‌های بهداشتی، به‌طور دقیق رعایت شود.

دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۹ – ۲۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ – ۲۰ جولای ۲۰۲۰ – سال نودویچم – شماره ۹۲۷۶

## دکتر ضیاء موحد: افرادی که فروزانفر و همایی را متحجر می‌نامند، سخت در اشتباهند

آدم حسابی‌ای که در حوزه‌های علمی درس می‌خوانسد یک جامعیتی پیدا می‌کرد، به‌ویژه آنهایی که برتر بودند. یکی از حوزه‌های تحقیقی ایشان، بلاغت است. ایشان اولاً یک نگرش بلاغی و دوم تحقیقات کاملاً محققانه بلاغی دارد.

دادیه ادامه داد: در هر مسأله‌ای دو وضعیت وجود دارد: ممکن است برخورد شما با دانش متغلاته باشد، یعنی دانشش را می‌آموزیم، تدریس می‌کنیم، گزارش می‌کنیم، اما هرگز نگاه منتقدانه به آن نداریم. اما برخورد دوم، برخورد فعالانه است، یعنی یاد گرفته‌تایم از او است. مهم‌ترین کار همایی‌سی از نظر خودش، «تاریخ اصفهان» است و خاطراتی که من از داریم ولی این‌که قبل از آن هیچ چیز نداشتیم درست نیست. وقتی کسی سواد تاریخی ندارد، به چه مناسبت باید وارد این بحث شود؟

وی تأکید کرد: گروهی چهار نفره داشتیم که سرکرده آنها هدایت و مجتبی مینوی و بزرگ علوی و مسعود فرزاد دیگر اعضای آن بودند. این‌نامه‌تجدد بودند و روح تازه‌ای به فرهنگ معاصر ایران دمیدند. یعنی از سده‌ترین شکل شعر که کمترین درسیار از آن گرفته تا شعرری کتاب «صناعات ادبی» که گزارش‌سی مسیوط و متناسب با دریافت‌های دانشجوی آن زمان است. این کتاب، کتاب ارزشمندی برای آموزش است. دومین کار تحققی استاد، مجموعه یادداشت‌های ایشان در حوزه بلاغت است که بعد از درگذشت ایشان با نام امعانی استاد جلال‌الدین در نشر گسترش دقیق بخش‌هایی از مطول وجود دارد. نکته دوم این کتاب، همان کار تازه و توجه به این نکته است

## دیدار غلامعلی حداد عادل با دانشجویان غیر ایرانی رشته آموزش زبان فارسی

ایران سفر کرده‌اند و این‌قدر زبان فارسی را خوب صحبت می‌کنند رئیس بنیاد سعدی افزود: همچنین بیش از ۵۰سال است که دانشجویان خارجی برای تحصیل به دانشگاه‌های ایران می‌آیند و زبان فارسی را نیز می‌آموزند، اما چون جایی نبود که روش تدریس زبان فارسی یاد بگیرند، وقتی به کشور خود بازمی‌گشتند، نمی‌توانستند به درستی این زبان را به علاقمندان یادگیری زبان فارسی بیاموزند؛ در نتیجه تصمیم گرفتیم روش تدریس و تربیت معلم زبان فارسی را به دانشجویان زبان فارسی در خارج از کشور آموزش دهیم که در کدام از کشورهای خود دهم‌ها معلم زبان فارسی تربیت کنند. حدادعادل توضیح داد: سعی ما این است که در کشورهایی که به‌راه زبان فارسی باز است،

## فراخوان هم‌اندیشی میرزا آقا تبریزی؛ پیشگام ادبیات نمایشی در ایران

ورزشی شهرداری تبریز و همراهی مؤسسه آموزش عالی چرخ نیلوفران آذربایجان، مؤسسه آموزش عالی نبی اکرم(ص) تبریز و معاونت فرهنگی اجتماعیه دانشگاه تهران (ناتار هوکی) در نظر دارد هم‌اندیشی «میرزا آقا تبریزی» پیشگام ادبیات نمایشی در ایران را با هدف مطالعه زمینه‌های پیدایش و سیر تحول ناتار و ادبیات

هم‌اندیشی میرزا آقا تبریزی، پیشگام ادبیات نمایشی در ایران را منتشر می‌کنند. به گزارش نشرآرنا، این پژوهشگاه به‌همکاری گروه تخصصی نمایش و ادبیات نمایشی فرهنگستان هنر و سازمان فرهنگی اجتماعی

ردیف	نام شرکت	روش واگذاری	تعداد سهام قابل عرضه	ارزش شرت (میلیون ریال)	ارزش شرت (ریال)	ارزش شرت (میلیون ریال)	سپرده نقدی شرکت در مزایده	موضوع فعالیت شرکت
۱	ماشین‌سازی پارس (سهامی خاص)	مزایده	۲۰۳۹۹،۱۳۷،۱۱۳ درصد کل	۹۹/۹	۱،۶۸۸	۴۰۰۵۰،۱۳۳	معادل ۵٪ قیمت پایه مورد مزایده	پیمانکار نفت و گاز

۱- از کلیه متقاضیان خرید دعوت می‌شود حداکثر تا روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۱ از ساعت ۸ الی ۱۶ اسناد مزایده را از شرکت به نشانی خیابان گاندی ، کوچه سوم، پلاک ۱۱ تلفن: ۸۸۷۷۹۱۴۱ با پرداخت مبلغ ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۶۹۲۰۰۰۰ بانک رفاه کارگران به نام شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی خریداری نمایند. اسناد مربوطه جهت مطالعه در پایگاه اینترنتی شرکت به آدرس WWW.SSIC.IR موجود است. متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده می‌بایست رسید پرداخت مبلغ مذکور را ارائه و نماینده خود را کتبا به شرکت مذکور معرفی نمایند.

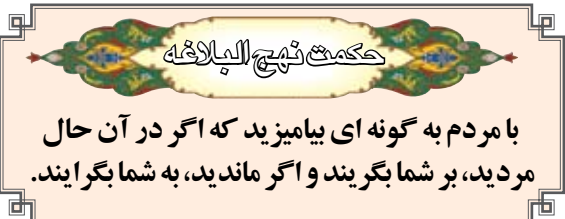
۲- شرکت کنندگان در مزایده باید حداکثر تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۶) روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ مدارک مربوطه را تکمیل و پیشنهاد قیمت خود را به صورت روشن و مشخص در پاکت دربسته تحویل شرکت نموده و رسید دریافت نمایند.

۳- تاریخ گشایش پاکت‌ها روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۲ راس ساعت ۱۰ صبح در محل دفتر حقوقی شستا به نشانی فوق خواهد بود. حضور شرکت کنندگان و نمایندگان تام‌الاختیار آنها با ارائه معرفی‌نامه در جلسه گشایش پیشنهادها اختیاری است.
۴- به پیشنهادهای بدون امضاء یا امضاء ناقص، مشروط، مخدوش، ناقص، کمتر از قیمت پایه و پیشنهاداتی که پس از ساعت ۱۶ تاریخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ واصل گردد، مطلقاً ترتیب اثر داده نمی‌شود.
۵- تضمین شرکت در مزایده "معادل ۵٪ قیمت پایه مورد مزایده" فقط به صورت چک بانکی تضمین شده و یا پرداخت نقدی به حساب شماره ۶۹۲۰۰۰۰ بانک رفاه کارگران به نام شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی قابل واریز خواهد بود به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک‌های شخصی و نظایر آنها ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۶- شرکت در مزایده و دادن پیشنهاد، تحت هیچ شرایطی حقی برای شرکت کننده ایجاد نخواهد کرد و شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

۷- برنده مزایده می‌بایست ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ نتیجه مزایده به منظور پرداخت نقدی و ارائه تضامین و امضای قرارداد به محل شرکت مراجعه نماید، در غیر این‌صورت سپرده شرکت در مزایده وی ضبط خواهد شد.
۸- سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد مزایده درج شده است.
کول‌های آبی بهتر است در فضایی بیرون از ساختمان قرار داده شوند تا تأمین هوای آن‌کامل‌تر باشد. بیرون باشند و هوای داخل مجدد وارد کولر آبی نشود. دو مابین ۲۴ تا ۴۰درجه سانتیگراد و طریت ۴۰ تا ۷۰درصد حفظ شود. سیستم تهویه مکانیکی در آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی تعبیه و روشن باشد.برای برقراری جریان هوا و جابجایی هوای تازه با هوای داخل ساختمان، چند دست‌ها، نرفتن به مجالس جشن و عزا و... و رعایت فاصله‌گذاری می‌تواند. وی افزود: اگر این نکات رعایت نشوند، ماسک نیز، من به شما قول می‌دهم که مبتلا می‌شوید. کرمانپور در ارتباط با مکان‌های استفاده‌شده که ماسک، توضیح داد: در خانواده اشاره که افراد علامتی ندارند، می‌توانند بدون ماسک باشند. اما اگر یک نفر مشکوک به بیماری باشد، باید فاصله همراه با دستورالعمل‌های بهداشتی، به‌طور دقیق رعایت شود.

دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۹ – ۲۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ – ۲۰ جولای ۲۰۲۰ – سال نودویچم – شماره ۹۲۷۶



**با مردم به گونه‌ای پیامیزید که اگر در آن حال مردید، بر شما بگریند و اگر ماندید، به شما بگریند.**



## دزد و پیر زن

زن بسا عصای کهنه و بسا وصله بر لباس آفاده به سوی باجه، سرپایش التماس از کارمند بانک تقاضای وام نکرد چشم رئیس، خیره به آن پیر ناشناس گفت: این دگر چه هست؟ ندارم پسر حواس گرفت: ابتدا حساب درین ششیم باز کن تا بید زن: چگونه؟ ممن زار آس و پاس لـرزان گشود کیف و درآورد ناهید از لای قفس و نسخه خود چند اسکناس پس گفت: من سواد ندارم چه لازم است غیر از شماره سـجـل و نمـره تـماس؟ برکن خودت هراتجه درین برکه لازم است پرسید مرد: مبلغ درخواستی چقدر؟ گفتا: به قدر خرج حفاظت در و تراس شب‌ها ز بیم دزد نمی‌خوایم آی پسر در خواب نیز دارم ازین رهنزان هراس خندید مرد و گفت: دومیلیون نیاز توست موجود نیست این و محال است از اساس زن نالـه کرد: پس بسـه کجا و و کـم دگر؟ رو رکتند و شـانه تـکان داد مرد طاس لـسب با کرد زنی پـسی نـفرین و مرد گفت: بیرونه که نیست حوصله‌ام جمع کن پلاس بیرون چو رفت گریه‌کنسان و عـصـازان از خاطر رسید ازآن غـصـه این قیاس: از ترس دزدها پی وام است پیرزن دزدان بسـه راختی هـم سـرگرم اختلاس!

## مادر گرمی وزیر سابق بهداشت درگذشت



مادر گرمی دکتر سید حسن هاشمی –وزیر سابق بهداشت درگذشت. به گزارش ایسنا، والدۀ دکتر سیدحسن هاشمی، وزیر سابق بهداشت دعوت حق را لبیک گفت. روزنامه اطلاعات درگذشت این مادر مهربان را به دکتر سید حسن هاشمی تسلیت می‌گوید و رحمت الهی و مغفرتی‌با فرزند شهیدش را از درگاه خداوند متعال مسألت دارد.

دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۹ – ۲۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ – ۲۰ جولای ۲۰۲۰ – سال نودویچم – شماره ۹۲۷۶

## آگهی عرضه سهام توسط شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (سهامی عام)

## آگهی مزایده شماره ۹۹/۲

## نوبت اول

## شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی در نظر دارد سهام شرکت ذیل را به شرح و شرایط زیر از طریق مزایده عمومی واگذار نماید.

ردیف	نام شرکت	روش واگذاری	تعداد سهام قابل عرضه	ارزش شرت (میلیون ریال)	ارزش شرت (ریال)	ارزش شرت (میلیون ریال)	سپرده نقدی شرکت در مزایده	موضوع فعالیت شرکت
۱	ماشین‌سازی پارس (سهامی خاص)	مزایده	۲۰۳۹۹،۱۳۷،۱۱۳ درصد کل	۹۹/۹	۱،۶۸۸	۴۰۰۵۰،۱۳۳	معادل ۵٪ قیمت پایه مورد مزایده	پیمانکار نفت و گاز

۱- از کلیه متقاضیان خرید دعوت می‌شود حداکثر تا روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۱ از ساعت ۸ الی ۱۶ اسناد مزایده را از شرکت به نشانی خیابان گاندی ، کوچه سوم، پلاک ۱۱ تلفن: ۸۸۷۷۹۱۴۱ با پرداخت مبلغ ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۶۹۲۰۰۰۰ بانک رفاه کارگران به نام شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی خریداری نمایند. اسناد مربوطه جهت مطالعه در پایگاه اینترنتی شرکت به آدرس WWW.SSIC.IR موجود است. متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده می‌بایست رسید پرداخت مبلغ مذکور را ارائه و نماینده خود را کتبا به شرکت مذکور معرفی نمایند.

۲- شرکت کنندگان در مزایده باید حداکثر تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۶) روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ مدارک مربوطه را تکمیل و پیشنهاد قیمت خود را به صورت روشن و مشخص در پاکت دربسته تحویل شرکت نموده و رسید دریافت نمایند.

۳- تاریخ گشایش پاکت‌ها روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۲ راس ساعت ۱۰ صبح در محل دفتر حقوقی شستا به نشانی فوق خواهد بود. حضور شرکت کنندگان و نمایندگان آنها با ارائه معرفی‌نامه در جلسه گشایش پیشنهادها اختیاری است.

۴- به پیشنهادهای بدون امضاء یا امضاء ناقص، مشروط، مخدوش، ناقص، کمتر از قیمت پایه و پیشنهاداتی که پس از ساعت ۱۶ تاریخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ واصل گردد، مطلقاً ترتیب اثر داده نمی‌شود.

۵- تضمین شرکت در مزایده "معادل ۵٪ قیمت پایه مورد مزایده" فقط به صورت چک بان











## اطلاعات

## گتوی ورشو و اسرائیل

**ایلان پایه** **ترجمه محسن کر** **بأسفروشان** **بخش چهارم**



به نظر می‌رسید که اکثریت وسیعی از محققان، تفسیر مشهور

یستایشاور لیوویتس را، به وقتی که مورد سؤال **ایلان سیسوان** فیمازیر قرار گرفت، نادیده می‌گرفتند یا

اساسا رد می‌کردند. در فیلم مستند ۱۹۵۰ مشهور بود، این نمونه‌ها را در انتخاب کرده بودند یا مجبور به این کار

قرار گرفت، نادیده می‌گرفتند یا اساسا رد می‌کردند. در فیلم مستند

ساخته شده است، لیوویتس به پرسش فیمازیر چنین پاسخ می‌دهد:

«چرا باید هولوکاست برای ما جالب باشد؟ ما که قربانیان این رویداد هستیم. این آلمانی‌ها هستند که باید پیامون آنچه انجام داده‌اند، نگران

باشند».

در تحقیقات پساصهیونیستی سسله‌های ۱۹۹۰، در جریان توسعه گستره تحقیقات نخستین بار، کشور یهود و نجبگان سیاسی‌اش پهلوی به پهلوی کسانی قرار گرفتند که جنهم هولوکاست را بعینه تجربه کرده بودند و شهروندی اسرائیل را انتخاب کرده بودند یا مجبور به این کار شده بودند. این بازماندگان هولوکاست با نوهپویدان یا صبرها تناسب نداشتند. بی‌شبهاتی یا معاییر آنها در فیلم‌های مستند سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۵۰ مشهور بود. این نمونه‌ها را خاتم نوریت **گرتس** کشف و اعلام کرد. او محقق ادبی دانشگاه آزاد بود که بر طرز چشمگیری در کارهای پساصهیونیستی پیرامون سینما مشارکت داشت. او نشان داد که بازماندگان هولوکاست در این فیلم‌ها با لوج و کلدش‌نمایش داده می‌شوند که تمایلی به جـذب در جامعه جدید ندارند. گرتس این‌گونه عرضه و نمایش را سکوت و خاموشی خاطره‌نماید، چراکه فیلم‌ها مکانی برای بیان روایت‌های شخصی یا جمعی بازماندگان هولوکاست باقی نگذاشتند. وی نوشت: «روایات آنان در روایت جمعی و عمومی از هولوکاست و قهرمانی گم و خاموش ماندند، و در ادامه افزود: «خاطرۀ آنان اکنون بروز و فوران یافت و روایت صهیونیستی را منقطع و مختل و از هم گسیخته ساخت، روایتی که از نابودی گذشته آواگی پهود در دنیا آغاز به شکل‌گیری حال و آینده اسرائیلی هدایت می‌کند. این روایت مردمی است که در جامعه اسرائیل یگانه باقی ماندند، آنها که هویتشان را آن‌گونه که صهیونیسم از آنان انتظار داشت، تعویض نکردند. آن فیلم‌ها کوشیدند این مردم را در نظام اشتراکی اسرائیلی جذب کنند».

و هیچ چیز توانست این تصویر منفی را دلپذیر سازد. همان‌گونه که نام زگو نوشت، حتی این حقیقت که یک‌سوم سربازانی که در جنگ استقلال در اسرائیل جنگیدند، باقی‌مانده شاهدان عینی اردوگاه‌های مرگ هیتلر بودند، یا برخی از آنان واقعا از همان‌های بودند که در کنه‌ها شورش کرده بودند، هیچ یک از این واقعیات، کمکی به آنان نکرد. در کلام زگو، کشور جوان اسرائیل، حیل‌نژدهٔ هولوکاست بود. اسرائیل اعتماد به این‌همه، شاهدان عینی جدید بنیان گذاشته شده بود. بر پایهٔ آن تدبیر، یهودی جدید آدمی بود استوار، متفخر و مغرور به اینکه عبری حرف می‌زند، در مزاج به سـختی کار می‌کند و متکی به خود و با اعتماد به این‌همه، گفته می‌شد قربانیان هولوکاست همچون گوسفندان به سـلاح‌خانه‌ها رفته‌اند. آنها از این جهت همچون گوسفندان بوده‌اند که یهودیان قدیمی بودند، چراکه همگی شـان تبعیدبانی بوده‌اند که به پیدایش (زبان مختلط آلمانی عبری) سخن می‌گفتند، شهرنشین بودند و بازرگان و بازاری.

چنین به نظر می‌رسد که اسرائیل با یهودیان مردهٔ هولوکاست بهتر کنار آمده است تا شاهدان باقی‌مانده‌ای هولوکاست؛ همان‌گونه که یک مورخ از دانشگاه بن گوریون، به نام حنا پاپلوفکا نوشته است: «درک و احساس مشترک صهیونیستی، به طور عام، این بوده است که آنها زنده و باقی مانده‌اند از این جهت و به این دلیل روشن و محض، قهرمانند که زنده‌اند. آنها به این جهت نیز مقصدند که گذشته‌های را نمایانگی می‌کنند که اسرائیل در آرزوی فروموشی آن است.» **ایدیت زرتال** نیز در کتاب «از فاجعه تا قدرت: شاهدان و باقی‌مانده‌های هولوکاست» سرآوردن اسرائیل، در رفتار مغرورانه و تحقیرآمیز نوهپویدان (صبرها) نسبت به بازماندگان هولوکاست و بر مشکل آنان، تمرکز کرده است. او می‌نویسد: «این رفتار تبعیض‌آمیزی بر روح کسانی بر جای گذاشته که شاهد و باقی‌مانده هولوکاست بوده‌اند و اکنون به فلسطین رسیده‌اند».

اما شاهدان هولوکاست به‌سادگی هم خوار و خمر شـعره نمی‌شدند؛ هـر وقت کرده و شاهد بوده‌اند، پس از جنگ در اردوگاه‌های آوارگان و پناهجویان جمع‌آوری و نگهداری می‌شدند. این سربازانگی از همان روز رهای‌شان از اتاق‌های مرگ اردوگاه‌های نازی در اروپا، شروع شد. این که اکنون بخشی از تاریخ گذشتهٔ آنان می‌دانیم، مـروهن کتاب **زورف گروزوینسکی** -متخصص مغز و اعصاب- از دانشگاه تل‌آویو هستیم. پدر او شاهد هولوکاستی و عضو اتحادیه بود. این اتحادیه سازمانی بود که حتی از هولوکاستی هم به فعالیت خود ادامه داد تا ثابت کند در مقابل صهیونیسم، گزینهٔ سیاسی‌بسی این‌بمللی وجود دارد. گروزوینسکی که بر انگیزهٔ تدوین تاریخ شخصی برای خود فعالیت می‌کرد، از محله‌وه تحقیق خود خارج می‌شود و گامی غیرمعمول در نگارش یک پژوهشی و مطالعهٔ تاریخی برمی‌دارد و نشان می‌دهد که چگونه یهودانی همچون پدر او که جنگ را تجربه کرده و شاهد بوده‌اند، پس از جنگ در اردوگاه‌های آوارگان و پناهجویان جمع‌آوری و نگهداری می‌شدند.

این اردوگاه‌های آوارگان و پناهجویان سهمی مهم در جنگ سیاسی صهیونیستی در سرنوشت فلسطین پساپیوستگی داشتند. در آن روزها استقلال مقابل فلسطینیان ایدهٔ دیگر کشور پهود بر این عقیده استوار بود که در میان همهٔ استلال‌های اولیه، اعراب فلسطینی دوسوم جمعیت را تشکیل می‌دهند و به همین جهت از حق دمکراتیک برای تعیین نوع کشور خود در پایان دورهٔ قیمومت بریتانیا بر فلسطین برخوردارند. تبلیغات صهیونیستی فقط در عبارات مهم و بسته به سبختی بر روی تـخاد یهودیان سراسر دنیا، در سرنوشت جامعهٔ یهودی در فلسطین کار می‌کرد. به این طریق، سران صهیونیست در تلاش بودند نسبت واقعی جمعیت را در فلسطین بی‌اهمیت جلوه دهند و به طرح جمعیت کلی یهودیان در سراسر دنیا، صرف‌نظر از اینکه چه تعدادی از آنها واقعی و بااعقل در فلسطین حضور دارند، در قیاس با فلسطینیان ساکن در فلسطین، اکثریتی بالقوه برای یهودیان سراسر دنیا، اما در فلسطین، را به نمایش بگذارند.

این رویکرد سیاسی علمـی به نظر می‌رسید: برای مثال کمیتۀ تحقیق آمریکایی - کنگس در ۱۹۴۶ به منظور تهیهٔ پیشنهادی برای حل مناقشهٔ فلسطین مأمور شده بود، چنین می‌پنداشت، به‌روشنی پیداست که لازم بود اتحاد هرچه بیشتر مشخص‌تری میان سرنوشت یهودیان اروپا و تقدیر یهودیان فلسطین برقرار شود. برای اثبات این دیدگاه، یهودیان موجود در اردوگاه‌های اروپا و پناهجویان در اروپا می‌بایست یکباره و دفعتاً اززمند مهاجرت به فلسطین می‌شدند. یکی از اعضای کمیتهٔ آمریکایی انگلیسی‌ایا شده، با نام **ریچارد کراسمن** که تحت‌تأثیر این استدلال عمومی در زمان مأموریتش قرار نگرفته بود، وقتی از یکی از اردوگاه‌ها در اروپا دیدن کرد و به او گفته شد که بیشتر یهودیان حاضر در آنجا، خواستار مهاجرت به فلسطین هستند، این حرف را باور کرد و تغییر عقیده داد. و اگر به‌درستی و روشنی با فرماندهان امریکایی و انگلیسی اردوگاه‌های آوارگان یهودی صحبت و مشورت می‌کرد، یقیناً از آنها می‌شنید که اکثریت بزرگی از یهودیان، حقیقتاً خواستار مهاجرت به بریتانیا و آمریکا بودند.

گروزوینسکی دریافت که کمیتۀ آمریکایی - انگلیسی و جاشنین با قائم‌گدن، یعنی مشخص مخصوص سازمان ملل در امور فلسطین (UNSCOP) فقط یک صدا را در اردوگاه‌های آوارگان و پناهجویان یهودی در اروپا می‌شنیدند. او در کتاب «آلمانی خوب»، از استثنای تـرور صهیونیستی علیه هر کسی که در تلاش برای کمک به یهودیان اردوگاه‌های آوارگان و پناهجویان، برای مهاجرت آنان به هر جای دنیا به جز فلسطین تلاش می‌کرد، بهره برمی‌دارد و آن را شرح می‌دهد. (در زمان، برای مثال، کمیتهٔ مشترک توزیع یهودیان آمریکا در کار مهاجرت یهودیان به آمریکا بسیار فعال بود و کمک می‌کرد) در اردوگاه‌های آوارگان و پناهجویان یهودی بعد از جنگ در اروپا، دفاتر استخدای سربازانگی برای هاگانا (سازمان نظامی یهودیان تا زمان تأسیس اسرائیل، و چود داشت. نیروهایی که به این طریق به عضویت در هاگانا درمی‌آمدند، به عنوان سربازان این سازمان سوگند یاد می‌کردند: برای این افراد، تغییر عقیده دادن به منزلهٔ فرار از خدمت محسوب می‌شد. گروزوینسکی می‌نویسد: «صهیونیزه کردن آن دسته از باقی‌مانده‌های هولوکاست که برای مشارکت در عملیات نظامی مناسب تشخیص داده می‌شدند، و نیز جلوگیری از تأسیس دفاتر دیگر سازمان یهودی در هاگانا در این اردوگاه‌ها، از جمله رفتارها و رویدادهای ناخوشایند بود».

علاوه بر این، رهبری صهیونیستی باقی‌مانده‌های هولوکاست را پس از ترک این اردوگاه‌ها و در راه رفتن به فلسطین، نیز مورد بهره‌برداری قرار می‌داد. این امر در تحقیقات پساصهیونیستی، در ارزیابی و مطالعه از رخداد کشتی مهاجرت در ۱۹۴۷، آشکار شد. ادامه دارد

جلال‌الدین همایی (۱۲۷۸ اصفهان ۱۳۵۸ تهران) نوه همای شیرازی، از کودکی خانواده او را با قرآن‌کریم و آثار ادبی فارسی آشنا کردند. بعد از فراگیری مقدمات ریاضی و ادبیات عربی در مدرسه قدسیه، نسبت ساد برای تلمذ نزد افرادی چون سید محمدکاظم کروی اصفهانی، سیدمحمدی درجعی، شـشیخ علی بزوی در مدرسهٔ نیم‌وارد قامت کرد و قیقی صاحب اجازه شـُـشد. بعد از آن، تا پایان عمر به تدریس و تألیف و پژوهش در مراتب و حوزه‌های فقه، فلسفه و ادبیات مشغول بود. آثار همایی از نظر تعدد و تنوع، قابل‌توجه و از نظر دقت و نکته‌یابی، ممتاز است. معمولا بر مثنویها که تصحیح کرده، مقدمه‌های محققانه و مفصل نوشته و جوانب گوناگون تاریخی و ادبی و زبانی و محتوایی آنها را بررسی کرده است. نکته‌یابی‌ها و ریزبینی‌های او در تمام آثارش شایان توجه است. از او آثار بسیاری بر جای مانده که از آن میان، «تاریخ اصفهان» درازمدان‌ترین است که پنجاه سال برای آن وقت گذاشت و جایش را به چشم ندید.

مرکز فرهنگی شهر کتاب به مناسبت چهلمین سالگرد درگذشت استاد همایی هم‌اندیشی «پایان شب سخن‌سرای» را در برگزار کرد و استادان و صاحب‌نظران با گفتار و نوشته‌های خود دربارهٔ زندگی، آثار و ویژگی‌های علمی این استاد، مصمح و محقق برجسته، در این هم‌اندیشی مجازی مشارکت کردند که گزیده‌ای از مطالبشان تقدیم می‌شود.

**جامعیت عظیم**

همایی جامعیتی عظیم داشت. در فقه به درجهٔ اجتهاد رسیده بود و از بزرگان بسیاری اجازهٔ هفتاد داشت. بیشتر در ادبیات مشهور است، در حالی که در فلسفه، فقه، کلام، هیئت و نجوم نیز مقام و مرتبهٔ مهمی دارد. مرحوم سید جلال‌الدین آشتیانی مقام همایی را در علوم ادبی کمال ثانی او دانسته و به مقام و دانش او در منطق و ریاضیات و علوم نقلی تأکید کرده است. این در حالی است که آشتیانی هم‌گز این تعارف و مجامله نبود. بدیع‌الزمان فروزانفر هم، به گفتهٔ شاگردانش، در مقابل هیچ کس به اندازهٔ همایی تواضع علمی نداشت.

عشق همایی به خدا و قرآن و اهل بیت، تقدیش به احکام الهی، دوری از جاه و جلال دنیوی، پشتنکار و علاقه‌ه در مسیر علم و دانش، گذشت و ایثار و دستگیری از مستمندان شـاده و تدقیق است، او تا اواخر عمر زندگی محدودی داشت، اما نقل می‌کند که بارها حوالـتحریر کتاب‌هایش را برای کمک به مستمندان می‌بخشید. رابطهٔ همایی با شاگردانش بسیار خوب بود و در مسیر شاگردپروری تلاش زیادی می‌کرد. وقتی در سال ۱۳۰۸ وارد تهران می‌شود، بر سر یک شعر و سراینده‌اش با مرحوم فروزانفر اختلاف نظر پیدا می‌کند و این بحث به گرمی تمام نیم می‌شود؛ اما وقتی یکی از شاگردان فروزانفر شعری در هزل استاد می‌گوید، با نصیحت او را از کردهٔ خود پشیمان می‌کند. خودش هم بارها برای رفع کدورت قدم برمی‌دارد و یکی از کتاب‌های خود را همراه با قطعهٔ شعری به فروزانفر تقدیم می‌کند.

توجه‌های به آثار و شخصیت‌های بزرگی مثل همایی، فروزانفر، نفیسی، بهار و عباس اقبال آشتیانی نوعی حجاب معاصرست؛ با این‌همه، مخاطبان اصلی از آثار منتشر شدهٔ همایی بهره می‌برند. او آثار بسیار مهمی از خود به‌جای گذاشته است که هنوز برخی از آنها منتشر نشده است. همین‌ها عظمت او را کارهایش را آشکار می‌کند. کتاب او دربارهٔ ابوریحان بیرونی بسیار مهم بود. وی بر تصحیح خود «المصابح الهادی» و «مفتاح الکلیاه» مقدمه ۱۳۰ صفحه‌ای بسیار مهمی می‌نویسد که در آن موسیقی را از نظر فقهی کالبدشکافی می‌کند.

«تاریخ ادبیات ایران» مهمترین اثر تألیفی دیه‌نشداده همایی است. وی اولین کسی است که تاریخ ادبیاتی برای ایران تدوین می‌کند با سبک و سبایی که بی‌سابقه و متفاوت است. پیش از آن نام مذکوره دانشمرد و حالا او نظر داشت تاریخ ادبیات ایران را در پنج دوره تدوین کند. او با پشتوانهٔ مطالعاتی در فلسفه و منطق، در ابتدا مبدا موضوع و فایده علم مورد نظر خودش را توضیح می‌دهد و با تقسیم‌بندی‌های انواع آثار تاریخ می‌شود و از تاریخ اجتماعی، تاریخ سیاسی و ادبی نام می‌برد. و تاریخ ادبی را اـشـرح حالت حلی از حیث ادب و علوم و علم و پیدایش و تزلزل و ترقی علمی و فکری آنها به طور عموم تعریف، می‌کند. او را شامل موضوعاتی چون خط و زبان و علوم و آداب و اشـرح احوال نویسندگان و علما و حکما و ریاضی‌دانان و اطبا می‌داند؛ یعنی نگاهی بسیار گسترده به تاریخ ادبیات دارد و آن را منحصر به شاعران و نویسندگان نمی‌داند. همایی در این اثر محیط و نیاز و زمان و استعداد را عوامل مؤثر در ادبیات عنوان می‌کند که این خود گواهی دیگر بر وسعت نظر و نگاه متفاوت و عمیق به تاریخ ادبیات است.

**تصحیح التفهیم**

**محمد غلام‌رضایی**
من با استاد همایی از سال ۱۳۵۱ در تصحیح «تفهیم» و با بازخوانی و غلط‌گیری مطبعی «مولوی‌نامه»، «در رساله در فلسفهٔ اسلامی»، «همای و آثار گریلا» همکاری داشتم. در آن زمان استاد همایی این بار بازنشستگی را می‌گذراند و در منزل مادامش ناصرالدین شاه‌حسینی مستقر بود. من هم بیشتر روزهای جمعه نزد او می‌رفتم. یکی از همکاری‌های مستمری که زمان زیادی صرفش شد، تدوین «دیوان شها» بود، عموی استاد همایی که به ایشان احساس دین داشت؛ چراکه به گفتهٔ او پس از مرگ پدر، این سـها بوده که به خانواده برادر برای برساند.

همایی پیشتر چند غزل شها را در کتاب «برگزیده دیوان

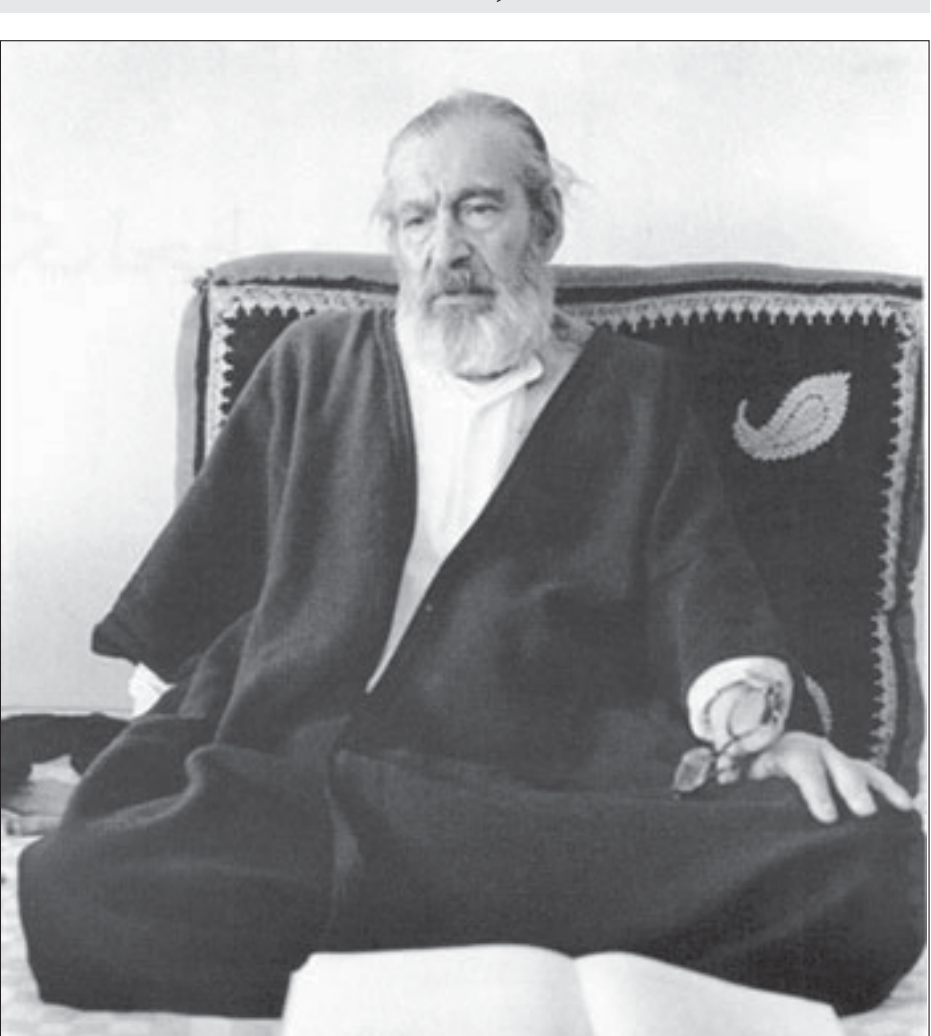
### نظرها و اندیشه‌ها

جزئیاتی حیرت‌آور در بر گرفت. «تاریخ اصفهان» صرفا تاریخ نیست و شباهتی به آن تک‌نگاری‌های مرسوم ندارد. چهار جلد اول این کتاب دربارهٔ ابنه و عبارات اصفهان، هنر و هنرمندان اصفهان، مقابر و تکایای اصفهان است. آن‌طورکه خود همایی می‌گوید، در خـوانندیم و با اصل تطبیق می‌دایم. همایی در جریان این بازخوانی‌ها گاه بی‌نی را حذف یا مصرعی را تصحیح می‌کرد؛ من دوباره اینها را باکتونیس می‌کردم و به استاد تحویل می‌دادم. سـرانجام من از تهران مهاجرت کردم و به ظاهر این کار ادامه یافت.

در این ملاقات‌های چندساعته گاه همایی در باب افراد، کتاب‌ها، داورۃ‌ها و اظهارنظرها، احوال و کارهای گذشتهٔ خود حرفهایی می‌زد که بخشی از اینها را یادداشت کردم؛ خود را، از نیروی تن و توش جوانی و روشنی چشم و تعریف می‌کرد که وقتی چاپ اول کتاب «تفهیم» ابوریحان بیرونی درآمد، علامه فروزینی اظهار خوشحالی کرد که هنوز

# همایی، استادی تمام‌وقت

**گزارش هم‌اندیشیِ پایان شب سخن‌سرای**



همایی در یکی از مجلدات «تاریخ اصفهان» مصادرت مکتوب آن را یک به یک نام می‌برد تا میزان اهمیت منابع کهن و مصادر قدیم را در تاریخ اصفهان نشان بدهد. افزون بر این، او مصادر و منابع را نقد می‌کند؛ مثلا: بر حافظ ابونعم اصفهانی خبری می‌گذرد که آینده را در نظر نیاورده و با حذف صدگان و هزارگان از تاریخ‌ها، دهها امتزاج و اشتباه را در تاریخ زده رده است. به مناسبت عارفان و سلسله‌های تصوف در اصفهان، همایی در یکی از مجلدات تاریخ اصفهان، در مقام محققی سختگیر تصوف را نقد می‌کند. در حالی‌که خود او به واسطهٔ پدر و اجداد به بعضی از فرق تصوف متوجه است. کتاب همایی می‌گفت که چندین سازمان برای چاپ این کتاب اعلام آمادگی کردند، اما با آگاهی از دشواری کار و پس کشیدند.

همایی در تصحیح، پژوهش و تألیفات خود دقت و امانت‌داری و عمق داشت و در کلام، عرفان، فلسفهٔ قدیم، علوم دینی از جمله فقه و علوم قدیم (شامل ریاضی و نجوم، حساب و طب، جبرئال و جفر و اتمالهم) واجد جامعیت بود. او به‌خوبی به زبان عربی می‌خواند و می‌نوشت و سخن می‌گفت. مقدمه‌ای که بر بخش ترجمه‌های عربی «نصایح‌الملوک» غزالی نوشته، گواهی بر این امر است. در زمان جوانی زبان فارسی هم می‌دانست و برگردانی از کتابی فرانسوسی را به صورت پاورقی در یکی از روزنامه‌های اصفهان منتشر کرده بود.

**نمونهٔ تاریخ‌نویسی شهرهای ایران**

**حسین مسجدی**

استاد جلال همایی در «تاریخ اصفهان» کسبایت بسیاری به همشهری قدیم خود ابوالفرج اصفهانی دارد. تألیف تاریخ اصفهان، هم مانند «الاغانی» قریب به پنجاه سال به طول انجامید. دیگر اینکه، قرار بر این بوده که «الاغانی» دانشنامهٔ موسیقی باشد، اما به دایره‌المعارف عظیمی از همهٔ معارف تبدیل شـُـد که اهل دانش علوم انسانی باید از آن روزگار بی‌اند. همان‌طورکه نامۀ «تاریخ اصفهان: رجال و دانشمندان» تا حدی گسترده شد که بسیاری از علوم و مسائل را با

این است که

نگاه نژادپرستانه
این نظر سیاسی
– اجتماعیهٔ قبیح
شده است؛ کما اینکه برده‌داری را بر حسب ظاهر نفی کردند، ولی به حسب آدم سیاه‌ها را حساب نمی‌کنند.
ظاهرا، این گوند برده‌داری بد است و یکی مثل ایوما را می‌گویند رئیس‌جمهور باشد، ولی به واقع او را شهروند درجه‌اول امریکا حساب نمی‌کنند.
ذاشتمان باید داشت؛ با وجودی که امروزه در دنیا اقبالی نسبت به فلسفه اسلامی ایجاد شده؛ چنان‌که اگر بخواهید در دانشگاه‌های غرب تدریس کرد، به شما که برای تدریس دکارت و هگل نیاز دارید، می‌گویند اگر فلسفه اسلامی بلدید، به شما شغلی می‌دهیم؛ با این‌همه در کلاس درس می‌بینم دانشجوی فلسفه به این جهت به تلاش‌ها و این که دیدن بعضی از زور جواب تا اگر خواست خارج جود، بگوید چیزی از شما ندارم.
ما در این جهت با دنیا چه نسبتی داریم؟ تا قرن نوزدهم تنها آرنست رنلان طایف‌دار فرهنگ غرب بودند و رسماً می‌گفتند اصلا فلسفه ذاتا غربی است و ذهن شرقی استعداد فلسفه ندارد؛ دیگران نیز همین‌طور، اگرهایدرگ می‌گوید که فلسفه ذاتا یونانی است، با یک ابهامی هم تعریض به فلسفه می‌کند و هم در این حین اثبات یونان می‌کند؛ چون او می‌خواهد از غیر عبور کند، می‌گوید برای بخش یونانی‌اش باید به قبل از ارسطو و افلاطون دقت کنیم؛ ولی ذاتا یونانی است. اینها نمایندگان فکر غربی هستند. اگر چهل پنجاه سال اخیر کوتاه آمده‌اند به خاطر

این است که
این گوند برده‌داری بد است و یکی مثل ایوما را می‌گویند رئیس‌جمهور باشد، ولی به واقع او را شهروند درجه‌اول امریکا حساب نمی‌کنند.
ذاشتمان باید داشت؛ با وجودی که امروزه در دنیا اقبالی نسبت به فلسفه اسلامی ایجاد شده؛ چنان‌که اگر بخواهید در دانشگاه‌های غرب تدریس کرد، به شما که برای تدریس دکارت و هگل نیاز دارید، می‌گویند اگر فلسفه اسلامی بلدید، به شما شغلی می‌دهیم؛ با این‌همه در کلاس درس می‌بینم دانشجوی فلسفه به این جهت به تلاش‌ها و این که دیدن بعضی از زور جواب تا اگر خواست خارج جود، بگوید چیزی از شما ندارم.
ما در این جهت با دنیا چه نسبتی داریم؟ تا قرن نوزدهم تنها آرنست رنلان طایف‌دار فرهنگ غرب بودند و رسماً می‌گفتند اصلا فلسفه ذاتا غربی است و ذهن شرقی استعداد فلسفه ندارد؛ دیگران نیز همین‌طور، اگرهایدرگ می‌گوید که فلسفه ذاتا یونانی است، با یک ابهامی هم تعریض به فلسفه می‌کند و هم در این حین اثبات یونان می‌کند؛ چون او می‌خواهد از غیر عبور کند، می‌گوید برای بخش یونانی‌اش باید به قبل از ارسطو و افلاطون دقت کنیم؛ ولی ذاتا یونانی است. اینها نمایندگان فکر غربی هستند. اگر چهل پنجاه سال اخیر کوتاه آمده‌اند به خاطر

این است که
این گوند برده‌داری بد است و یکی مثل ایوما را می‌گویند رئیس‌جمهور باشد، ولی به واقع او را شهروند درجه‌اول امریکا حساب نمی‌کنند.
ذاشتمان باید داشت؛ با وجودی که امروزه در دنیا اقبالی نسبت به فلسفه اسلامی ایجاد شده؛ چنان‌که اگر بخواهید در دانشگاه‌های غرب تدریس کرد، به شما که برای تدریس دکارت و هگل نیاز دارید، می‌گویند اگر فلسفه اسلامی بلدید، به شما شغلی می‌دهیم؛ با این‌همه در کلاس درس می‌بینم دانشجوی فلسفه به این جهت به تلاش‌ها و این که دیدن بعضی از زور جواب تا اگر خواست خارج جود، بگوید چیزی از شما ندارم.
ما در این جهت با دنیا چه نسبتی داریم؟ تا قرن نوزدهم تنها آرنست رنلان طایف‌دار فرهنگ غرب بودند و رسماً می‌گفتند اصلا فلسفه ذاتا غربی است و ذهن شرقی استعداد فلسفه ندارد؛ دیگران نیز همین‌طور، اگرهایدرگ می‌گوید که فلسفه ذاتا یونانی است، با یک ابهامی هم تعریض به فلسفه می‌کند و هم در این حین اثبات یونان می‌کند؛ چون او می‌خواهد از غیر عبور کند، می‌گوید برای بخش یونانی‌اش باید به قبل از ارسطو و افلاطون دقت کنیم؛ ولی ذاتا یونانی است. اینها نمایندگان فکر غربی هستند. اگر چهل پنجاه سال اخیر کوتاه آمده‌اند به خاطر

این است که
این گوند برده‌داری بد است و یکی مثل ایوما را می‌گویند رئیس‌جمهور باشد، ولی به واقع او را شهروند درجه‌اول امریکا حساب نمی‌کنند.
ذاشتمان باید داشت؛ با وجودی که امروزه در دنیا اقبالی نسبت به فلسفه اسلامی ایجاد شده؛ چنان‌که اگر بخواهید در دانشگاه‌های غرب تدریس کرد، به شما که برای تدریس دکارت و هگل نیاز دارید، می‌گویند اگر فلسفه اسلامی بلدید، به شما شغلی می‌دهیم؛ با این‌همه در کلاس درس می‌بینم دانشجوی فلسفه به این جهت به تلاش‌ها و این که دیدن بعضی از زور جواب تا اگر خواست خارج جود، بگوید چیزی از شما ندارم.
ما در این جهت با دنیا چه نسبتی داریم؟ تا قرن نوزدهم تنها آرنست رنلان طایف‌دار فرهنگ غرب بودند و رسماً می‌گفتند اصلا فلسفه ذاتا غربی است و ذهن شرقی استعداد فلسفه ندارد؛ دیگران نیز همین‌طور، اگرهایدرگ می‌گوید که فلسفه ذاتا یونانی است، با یک ابهامی هم تعریض به فلسفه می‌کند و هم در این حین اثبات یونان می‌کند؛ چون او می‌خواهد از غیر عبور کند، می‌گوید برای بخش یونانی‌اش باید به قبل از ارسطو و افلاطون دقت کنیم؛ ولی ذاتا یونانی است. اینها نمایندگان فکر غربی هستند. اگر چهل پنجاه سال اخیر کوتاه آمده‌اند به خاطر

از آنها نزدیک به هزار کشته داد، در مشروطیت بسیار مهم است. بعد از این وقایع است که جنبش به قم و تهران کشید و مجاهدان به تهران رفتند و اتفاق بعدی رخ داد که ثبت شده است.

تاریخ مشروطیت بسیار پیچیده است و پژوهشگر مشروطه با ورود به عمق آن دچار سرگردانی و حیرانی می‌شود؛ چنان که مرحوم اسماعیل رضوانی، یکی از بهترین تلاش‌های تاریخ‌نگاران روزافزون می‌گفت و خود مجاهدین را هم گرفتار کرد؛ بسیاری از همان کسانی که برای حرکت را در اصفهان شروع کردند و سیل عظیم اصفهانی و بختیاری را به تهران بردند و فتح و امضای مشروطیت را رقم زدند، بعدها پشیمان شدند. همایی در «تاریخ اصفهان» تحلیل بسیار جالبی می‌کند که مقداری تکلیف آدم را روشن می‌کند.

**همایی و غزالی**

**سلمان ساکت**
۱۳۱۷-۱۳۱۵
اولین کار جدی همایی به فاصله سالهای ۱۳۱۷-۱۳۱۵ برمی‌گردد که «نصیحه‌الملوک» غزالی را از روی نسخهٔ عبدالرحیم خلخالی تصحیح و منتشر کرد. علامه فروزینی در مجموعه یادداشت‌های خود می‌نویسد از یافتن نسخه‌ای از «نصیحه‌الملوک» ناامید شده بودم که از تهران پستنه‌ای کتاب رسید و در کمال شگفتی در آن میان نسخه چاپ شده همان کتاب بود.

همایی همزمان با تصحیح «نصیحه‌الملوک» به روال کارهای دیگر خود دربارهٔ غزالی و زمانه او می‌پردازد و برای آن مقدمه‌های مفصل فراهم می‌آورد؛ اما حجم این مقدمه جامع با حجم خود اینمخوانی نداشت. از این‌رو، فاصله یک سال از انتشار این تصحیح در سال ۱۳۱۷، مجموعه این یافته‌ها را در کتاب مستقل «غزالی‌نامه» می‌کشد. پس از این، همایی پژوهش بر روی غزالی و تصحیح «نصیحه‌الملوک» را رها نمی‌کند، و سال ۱۳۴۲ نسخه پربزتری از «غزالی‌نامه» منتشر می‌کند که به نظر، سـلمهکاری پژوهشی است. خود همایی ادعا می‌کند برای تألیف این کتاب بیش از دویست کتاب را از نظر گردانده است.

کتاب او از توضیح درباره روزگار غزالی آغاز می‌شود، در ادامه اوضاع علمی و اجتماعی عصر او بررسی می‌شود، رواج فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی مثل اشاعره، معتزله، باطنیه و اسماعیلیه توضیح داده می‌شود و اختلافات مذهبی و پوش‌های مختلف اجتماعی پیش روی خواننده قرار می‌گیرد. یکی از بخشهای جالب و جذاب این کتاب بازتاب واکشتاری است که اندکی بعد از غزالی در مقابل کتاب «احای علوم دین» صورت گرفت. این کتاب دایره‌المعارف بزرگی که سنت اسلامی است که در آن زمان، از سوی در غرب عالم اسلام با واکشتار شد و این بحث به سوی اسلام دگر، برخی آن را ستوندد و مهمترین اثر در جهان سواد تلقی کردند.

همایی با دستپایبی به نسخه‌های قدیم‌تر و بیشتر آن در سال ۱۳۵۱ تصحیحی جدید از آن کرد. او برای این تصحیح از هفت نسخه فارسی، دو نسخه عربی کهن و یک چاپ عربی استفاده کرده است. این کتاب شامل چند بخش است که شامل مقدمه‌های مفصل و تصحیح‌های جداگانه براساس نسخه‌های کامل و ناقص و عربی است. همین امر باعث شده است که برخی بر علامه خرده بگیرند که کتاب را در حجمی بیشتر منتشر کرده است. همایی در مقدمه مفصل این اثر به خود کتاب، ارتباط آن با کتاب‌های دیگر، غزالی و شبیهات مطرح شده در انتساب بخشهای اول و دوم اثر به غزالی پرداخته است. نام همایی با غزالی پیوند خودخواه است و هیچ پژوهشگری در این زمینه از آثار او بی‌نیاز نیست.

**همایی و صائب**

**احمد رضا بهرام‌پور عمران**
بخشیی از دستاوردهای تاریخ ادبیات‌نویسی دوران جدید، مـروهن نام‌رزمی‌های تاریخ تدوین بحث رزاق معارف در سر آغاز سده اخیر بوده است. این آثار را وزارت علوم و فراانفر، همایی و رضازاده شفق تدوین کرده‌اند و ادبیات کهن ایران در کانون توجه این دوره است. در «مختصرات ادبیات فارسی» فروزانفر اساسا سخنی از ادبیات پس از عصر تیموری به میان نیامده است؛ اما همایی و رضازاده شفق تا حدی به شعر شبک هندی و به‌ویژه صائب توجه داشتند. پس از عصر مشروطیت نخستین بار محمدمحلی تربیت در مقاله «صائب تبریزی» و بعدها در مقاله «یک صفحه مختصر در رسالهٔ قرن حادی‌عشر» به معرفی و ستایش شعر صائب پرداخت. حیدرعلی کمالی اصفهانی نیز در سال ۱۳۰۵ گلچینی از شعر صائب منتشر کرد که در آن در کنار معرفی و ستایش شعر صائب، نگاهی آسیب‌شناسانه به بیان و بلاغت شعر او دارد.

گرچه همایی در «تاریخ ادبیات ایران»، شعر و فلسفه و عرفان عصر صفوی را «منطقهٔ زبانی» می‌کند، مؤلفه‌هایی از شـعر عصر تیموری را در شعر سبک هندی سازی و جاری می‌بیند و به همین سبب، این اشعار را تا حدی قابل توجه می‌داند. همایی شعر صائب را اقبال به سبب «استحکام الفاظ» ستودنی می‌داند. حال آنکه به باور او، شعر سبیل از همین مایه امتیاز نیز بی‌بهره است. گویا این نخستین بار است که این میان‌های معاصر ما کسی نامی از سبیل دهلوی به میان می‌آورد. آنچه همایی در بخش «تغییدهای لفظی و معنایی» کتاب «فتون بلاغت و سوغات ادبی» خویش از شعر صائب می‌رمی‌گزیند، نشان می‌دهد که همچون کمالی، مضمون‌پردازی‌ها و نازک‌خیالی‌های مفرط صائب را نمی‌پسندیدند؛ اما

همایی در سال ۱۳۱۷ سنگ صائب را در باغ مشهور به «قبر آقا» به اتفاق باغبان همان باغ، ششایزد کرد؛ حدود ده

سال بعد، زندیاد گلچین معانی با پیگیری‌های فراوان توجه مدیران فرهنگته و ادیبان بزرگ پایتخت را برانگیخت و در نهایت، در سال ۱۳۴۲ ساخت این آرامگاه آغاز و در سال ۱۳۴۷ افتتاح شد. همایی که خود شعر نیز می‌سرود و اسامی تخلص می‌کرد، ماده‌تاریخی برای مقبره صائب مسرود که مصرع پایانی آن را برپا به سال آغاز شای مقبره صائب معنی می‌دهد: «تاریخ ارمگه از فکر صائب شد» در ادامه همین تلاش‌های سبک دهه‌های ۴۰ و ۵۰، شاهد توجه روزافزون به شعر صائب هستیم. اندکانک ادیبان و شاعران فراوانی به پژوهش درباره صائب می‌پردازند و به پیروی از شـعر او شعر می‌سرایند و به‌تدریج غزل امروز، رنگی از بلاغت شعر صائب و بعدها پیدل به خود می‌گیرد.

**جلال اصفهان**

استاد همایی در سال ۱۳۵۹ فوت کرد. در آن زمان دانشگاه‌ها تعطیل بود و در آستانهٔ جنگ بودیم. اوضاع مملکت به‌قدری آشفته بود که مجالی نمی‌گذاشت. پیکر استاد را غریبانه به اصفهان بردند و در تخت پولاد به خاک سپردند. بعد از آن، در مسجد سید اصفهان مراسم ختمی برگزار شد. این مسجد بسیار بزرگ است و جمعیت بالای می‌گیرد. خلیل خطیب‌بهر، ناصربلدین شاه‌سینی، مظاهر مصفا، محمد شفیعی برای خوشامدگویی به مردم در ایستاده بودند. در این میان، مصفا به ۲۸ جفت کش جلوی ششسان اشاره کرد و گفت: «اصفهان بیش از اینها وامدار این مرد بزرگ است. اگر از حالا اصفهان را به جمال و کمال می‌شناختیم، حالا او جلالی هم به آن اضافه کرد» می‌نوشتند. منوچهر قدسی و همایی علاقهٔ متقابل به هم داشتند. پدربزرگ قدسی مؤسس مدرسهٔ قدسیه بود و استاد همایی مدتی در این مدرسه شاگرد پدر منوچهر بود. هنگامی که قدسی دانشجوی رشته ادبیات دانشگاه تهران شد، به استاد همایی بسیار نزدیک بود و غالباً تابستان‌ها برای خواندن کتبه‌ها و تحقیق دربارهٔ آثار تاریخی اصفهان او را همراهی می‌کرد و از نزدیک شـاهد دشواری‌های کارآوری همایی «تاریخ اصفهان» بود. گویی قدسی با درگذشت استاد همایی دردم شکست. غصه از دست دادن استاد تأثیر بزرگی بر او گذاشته بود. به همین مناسبت، مرثیه‌ای گفت که چون از سـوز دل برآمده بود، بسیار به دل می‌نشتید و یک از بهترین مـاده‌تاریخ‌های شـعر ما را گفته است: «شد در بهشت جوادان جان همایی» دقیقاً معادل ۱۴۰۰، یعنی سال وفات استاد همایی.

سبب بازنشستگی استاد همایی، اجباری شدن قانون تمام وقت شـشدن اساتید دانشگاه تهران بود. این شیوه با طرز زندگی استاد درست درمی‌آمد و در نامه‌ای تقاضای بازنشستگی می‌کند و تأکید می‌کند که همهٔ عمر تمام وقت بودم و کار دیگری نداشتم. با کتاب خواندم و به نام درس دادم یا جواب سؤال دانشجو و دیگران را دادم؛ ولی اگر بخواهم اینجا بنشینم، قلم تلف می‌شود.

همایی در سال ۱۳۸۱ به‌خوبی به نظری دربارهٔ خواجه نصیرالدین طوسی کرد و در آن تصریح کرد که اگر دانشمندانی تمام‌عیار هفتاد هشتاد سال عمر کرده باشند، حاصل این عمر می‌تواند دو تا سه کتاب درجهٔ اول باشند. آثار عالی خواجه نصیرالدین طوسی در زمینه‌های گوناگون بسیار است و می‌توان گفت هزار سال عمر مفید همایی است. به نظر امروز می‌توان همین گفته را به استاد همایی تعمیم داد.

**تصحیح بی‌نظیر التفهیم**

من سال ۱۳۴۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دانش‌آموز استاد همایی بودم. به‌خوبی اولین جلسه‌ای که وارد کلاس شـُـدند، به یاد دارم. ایشان کراوات نپوشد. کلاه شاپو و ریش داشتند. عصای خود را به صورت افقی روی میز گذاشتند و با لهجه اصفهانی گفتند اگر ایران را در زمینهٔ عروض غریبال هند، دو سه شعر بیشتر نیتند که می‌توانند عروض درس دهند و به دقایق آن آگاهی داشته باشند؛ یا آن از دو سه نفر همین شخصی است که رویرویی به شـعری شـعری است و شروع کردند به درس دادن. معمولاً رسم ایشان این بود که شعرهایی از سعدی و دیگران می‌خوانند تا قواعد عروض را بر اساس آن شعر حفظ و آگاهانی می‌تذکر می‌دادند که این شعرها را اندام حفظ کرده‌ام که برای عروض بخواهم؛ این شعرها در ذهن من هستند و خودشان می‌آید.

استاد همایی در اصفهان نزد معلم حبیب‌آبادی و حاج‌آقا رحیم ارباب شادری کرد و یهودی با این گنجینه دانش به تهران آمده بودند و در دارالفنون و بعد هم در دانشگاه تهران به تدریس پرداختند. همایی آگاهی خوبی به علوم قدیمه داشت که استاد فروزانفر آن مقدار تحصیل کرده بودند؛ چون هم فقه و اصول خوانده و به حدیث و ریاضیات و ادبیات و صرف و نحو و به قول قدما تمام علوم قدیم ادبیه را تمام کرده بود. در یک زمان در دانشکده‌های گوناگون هم ادبیات و صناعات ادبی و عروض درس می‌داد و هم فقه و هیئت قدیم.

همایی التفهیم» ابوریحان را بسیار مضبوط و عالمانه تصحیح کرده است. پیداست که ریاضیات قدیم و مسائل آن برآمده از کتاب‌ها مطرح شده، به‌خوبی می‌دانسته و از عهده آن کرده‌ام. فقط برای تدقیق مسائل جدید به کسانی مثل مرحوم احمد ارباب مؤتمل شد تا اینها را با فرمول‌های جدید و مسائل جدید ریاضی تطبیق دهد. تصحیح ایشان از «تفهیم» رودست ندارد و هیچ‌کس دیگر نتوانسته است از تصحیح همایی «تفهیم» ببرد. «طربخانه» مضمون













































۲۲۹ فصلیه اجتماعی روزنامه اطلاعات

دوشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۹ (سال شصت و پنجم - شماره ۲۷۶۰۹)

## زن امروز و قوانین دیرروز

گفتگو با حاطه فرهادی، حقوق‌دان و وکیل دادگستری

## افسانه‌های ازدواج

گفتگو با سعید بی‌نیا، کارشناس ارشد روان‌شناسی





زیرگذر اینترنت

## ازدواج و تقسیم ته‌دیگ ماکارونی!

اسم شهرستان شوش ثبت ملی شود! این خبر با اعتراض و انتقاد بسیار مواجه شد. یکی از کاربران نوشت: «خون بس را به عنوان شرم ملی در فهرست سنن شرم‌آور کشور ثبت کنید. ازدواج اجباری و به بیان دیگر فروش یک دختری گناه به‌عنوان خون‌بهای یک مرد، باعث افتخار هیچ قومی نیست. اگر کسی فکر می‌کند که این رسم غیرانسانی، باعث افتخار است، یک روز هم نباید سستی در دولت داشته باشد.»

در نهایت هم مدیر کل ثبت آثار سازمان میراث فرهنگی کشور اعلام کرد: «خون‌بس به دلیل ضدیت با حقوق بشر و نادیده گرفتن حقوق زنان تحت هیچ شرایطی در فهرست میراث معنوی کشور ثبت نمی‌شود.»

البته انواع مدرنی از ازدواج مانند ازدواج سفید هم در فضای مجازی به‌بوته نقد کشیده شده است. «پری» نوشته: «شما خیلی مدرنید. من اگر به مادرم بگویم می‌خواهم ازدواج سفید بکنم، اول می‌رود معنی آن را می‌پرسد و بعد هم می‌آید سیاهم می‌کند!»

اما عمده نظرات مربوط به ازدواج در فضای مجازی، به شکایت از اوضاع اقتصادی که به مانعی برای جوان‌ها تبدیل شده، اختصاص پیدا کرده است. برخی کاربران به این ماجرا در صدر اسلام اشاره کرده‌اند: «حضرت علی(ع) بعد از اجرای حکم در مورد جوانی فرمود: از بیت‌المال برای این جوان عروسی بگیرد تا بستر گناه از بین برود والا دوباره سمت گناه خواهد رفت.»

«محمد» نوشته: «دلار ۲۱ هزار تومان، سکه نزدیک ده‌میلیون، یخچال فریزر ۴۵ میلیون، جارو برقی ۱۲ میلیون، ماشین لباسشویی ۱۸ میلیون... حالا من از شما می‌پرسم یک پسر و دختر جوان چطور با وام ازدواج ۵۰ میلیونی ازدواج کنند؟ تازه اگر خیلی خوش شانس باشند و یک واحد آپارتمان ۲۵ متری اجاره کنند!»

بعضی از کاربران موضوع را به‌شوخ‌برگزار کرده‌اند، مثل «کیا» که گفته: «یک‌زمانی در مراسم عقد سکه تمام می‌دادند، بعد تبدیل به نیم‌سکه شد، بعد ربع سکه و سکه یک‌گرمی و پارسیان، همین‌طور پیش برود، زمان ما مسأله کادوی ازدواج با یک کارت صدآفرین حل می‌شود می‌رود بی کارش!»

«کمیل صادقی» هم نوشته: «یک‌بار بابا بزرگ آمد گفت کُمل نمی‌خواهی ازدواج کنی؟ دوست دارم نتیجه‌هایم را ببینم. گفتیم نتیجه‌ها را توی سایت اعلام می‌کنیم!... بزرگوار نسبت به سنش مشت قوی داشت!»

«اشکان» [احتمالا برای حل مشکل خودش!] یادآوری کرد: «زکات ازدواج، پیدا کردن همسر برای دختر و پسرهای مجرد است، وقتی ازدواج کردید فراموششان نکنید!»

برخی کاربران به مسایل بعد از ازدواج پرداخته‌اند. «خیزران اسماعیل‌زاده» نوشته: «بعد از مدت‌ها رفته بودم خانه دوستی. ازدواج کرده و با بچه و شرایط اسفناک شغلی، نتوانسته بود کاری پیدا کند. موقع ناهار از دست‌پختش تعریف کردم. شوهرش تمجید را ادامه داد. ناگهان دوستم عصبانی شد و با خشم و صدای بلند گفت بله، آشپزی‌ام خیلی خوب است، کارهای خانه را خیلی خوب انجام می‌دهم، زن خانه همه‌چیز تمام!... سکوت بدی برقرار شد. ما فقط از آشپزی‌اش تعریف کرده بودیم، ولی رفته بود روی همه ناکامی‌ها و بدبختی‌هایش؛ روی این که نمی‌توانست شغلی داشته باشد و شمایل اجتماعی خودش را بسازد و حالا تعریف از آشپزی هم رنج روان بود. فریم‌های تکراری از زندگی بسیاری از زنان در این سال‌ها.»

در این میان شنیدن داستان برخی از پیوندها آدم را امیدوار می‌کند. «محمد مالی» از زندگی مشترک «ساره اخوت» و «مسعود سبحانی»، زوج فرهنگی و معلم شهرستان اندیمشک، تعریف کرده که این چنین آغاز شد: «هزینه مراسم ازدواجشان را به مرکز خیریه درمانی در شهرستان دزفول که بیماران سرطانی را تحت پوشش قرار می‌دهد، اهدا کردند: ازدواج آسمانی.»

«برنارد شاو» عقیده دارد: «در باره ازدواج، بیش از هر موضوع دیگری در دنیا، سخنان پوچ و بی‌معنی گفته شده است»، بنابراین طبیعی به‌نظر می‌رسد که در فضای مجازی هم درباره این موضوع، زیاد حرف زده شده باشد!

برخی از کاربران به بیان ویژگی‌های لازم برای ازدواج از دیدگاه خودشان پرداخته‌اند. چند نفر نوشته‌اند: «قبل از این که تصمیم به ازدواج بگیرید، یک‌مدت تنها زندگی کنید ببینید می‌توانید کارهای خانه، کار بیرون، هزینه‌ها و رفت و آمدهایتان را مدیریت کنید و باز هم آدم خوشحالی باشید؟ اگر خیر، بی‌خیال شوید، چون زندگی یک‌نفر دیگر را هم خراب می‌کند.»

«لیاخوف» گفته: «با آدمی که با خانواده‌اش بد رفتار می‌کند نه دوست شوید و نه ازدواج کنید. طرف را این‌همه سال مفت و مجانی بزرگ و در هر شرایطی حمایتش کرده‌اند، آخر به آن‌ها پشت کرده، بعد انتظار دارید به شما پشت نکنند؟»

«محمد» هم نوشته: «تویی که نمی‌توانی ته‌دیگ ماکارونی را با کسی تقسیم کنی حرف از ازدواج زن!»

برخی دیگر هم ملاک‌های نادرست را زیر سؤال برده‌اند. «ویولت» نوشته: «امروز یک نفر به من پیشنهاد ازدواج داد. گفتم متأسفم، بلافاصله گفت از بقیه این دخترهای دندان‌پزشک که این‌جا هستند کدامشان قصد ازدواج دارد؟ انگار آمده بود مسواک انتخاب کند و ببرد!»



اما نه تنها در ایران، که در اغلب کشورهای دنیا ازدواج پدیده‌ای پسندیده است و وفاداری به همسر، به‌عنوان یک ویژگی مثبت تحسین می‌شود. «احمد وخشینه»، پژوهشگر و استاد علوم سیاسی گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه ملی اوراسیا، با اشاره به روز هشتم جولای که در تقویم روسیه، روز خانواده، عشق و وفاداری نام‌گذاری شده است، نوشته: «همه‌ساله در این روز شهرداری‌ها از خانواده‌هایی که بیش از ۲۵ سال است با یکدیگر زندگی می‌کنند، تقدیر و به آن‌ها مدال عشق و وفاداری اعطا می‌کند. همچنین از زوج‌هایی که فرزندان شایسته‌ای تربیت و تقدیم جامعه کرده‌اند تقدیر می‌شود. از سوی دیگر زوج‌های بسیاری در روسیه این روز را برای تاریخ عقد ازدواج خود انتخاب می‌کنند.»

البته همه اشکال ازدواج هم پسندیده و خوشایند نیست و یکی از بدترین انواع آن، تحت‌عنوان «خون‌بس» در ایران و برخی کشورهای همسایه انجام می‌شده [و احتمالا هنوز هم می‌شود] که در آن، پس از وقوع نزاع و قتل بین دو طایفه، یکی از دختران خانواده قاتل را به عقد یکی از پسران خانواده مقتول درمی‌آوردند تا بین دو طایفه صلح و صفا برقرار شود، اما درواقع در اغلب مواقع، از دختر بیچاره انتقام می‌گرفتند که عمری باید به خانواده مقتول خدمت می‌کرد و توهین می‌شد و تنک می‌خورد. شگفت آن که در سال ۱۳۹۱ خبرگزاری‌ها از قول برخی مسئولان چهار استان کشور نوشتند پیشنهاد شده تا با جمع‌آوری مستندات و ارائه آن‌ها به وزارتخانه مربوطه، این سنت مذموم به

## نمک بر زخم



ارمان زمان فشمی

نخستین روز از ماه قمری ذی‌الحجه را که امسال با اول مردادماه برابر شده، به‌مناسبت سالروز ازدواج امام علی(ع) و حضرت فاطمه (س)، روز ازدواج نامیده‌اند؛ پیوندی که می‌گویند مهریه‌اش، زهری بود که آن را فروختند و خرج عروسی کردند، زهری که پانصد درهم می‌ارزید و پولش به سه‌قسمت تقسیم شد، بخشی از آن را برای خریدن وسایل زندگی به‌عنوان جهیزیه، بخش دیگر را برای تهیه عطریات عروسی و سومین بخش آن را برای پذیرایی از مهمانان در نظر گرفتند.

شاید هنوز باشند کسانی که بخواهند جهیزیه سنگین دخترشان را با رویان‌های طلایی در خانه (یا حتی کوچه!) بچینند تا چشم دروهم‌سایه و فامیل را در بیاورند، کسانی که «پانتختی» می‌گیرند تا فامیل‌ها بیایند و کسوها و کابینت‌های خانه عروس را زبرور کنند تا مطمئن شوند جهیزیه‌اش تکمیل است، مهریه را با سکه به‌تعداد سال تولد تعیین می‌کنند و مراسم عروسیشان باید در فلان تالار یا فلان نوع غذا و میوه برگزار شود.

آن‌ها از داماد می‌خواهند سند یک ملک را پشت قبالة عروس ببندازد یا او را برای ماه‌عسل به یک کشور خارجی ببرد اما با توجه به رکود اقتصادی ماه‌ها و سال‌های اخیر، بسیاری از جوانان ما حاضرند با مخارج بسیار کمتر از این‌ها هم به خانه بخت بروند، درحالی که توانایی مالی کافی ندارند تا با آن به جنگ مشکلات بروند و بتوانند مخارج یک ازدواج ساده را تأمین کنند!

فقط یک گروه خاص هستند که هنوز می‌توانند به مراسم ازدواج افسانه‌ای با تم سیندرلا در کاخ‌های لواسان یا سواحل مدیترانه فکر کنند و برای اکثریت قریب به اتفاق مردم، برگزاری یک مراسم معمولی هم خارج از توان شده است.

در این بلیشو که مردم محتاج نان شبشان هستند و اختلاف طبقاتی پدید می‌کند، تبلیغ برای ازدواج و فرزندآوری، تنها نمک‌پاشیدن بر زخم است. زیرا آن‌ها که تمایل به ازدواج و بچه‌دار شدن دارند، توانایی اقتصادی آن را ندارند و آن‌ها که توانایی اقتصادی دارند، تمایلی به ازدواج و بچه‌دار شدن ندارند!

اگر واقعا می‌خواهیم جوانان، خانواده تشکیل بدهند و بچه‌دار شوند، مدیران اجرایی باید به‌جای شعار دادن از پشت تریبون‌ها پایین بیایند و به میان آن‌ها بروند و مشکلاتشان را ببینند؛ کاری که ظاهراً مدت‌هاست از یاد برده‌اند.

### تماشاخانه



عشق و ازدواج پایدار یعنی این!

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود.

از مطالب، پیشنهادها

و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.

Email:jameettelaat@gmail.com

تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰





## ز بخت تیره خدا یا چه دیدم و چه کشیدم



● مرضیه سلیمانی

چندروز بعد از این که دزد به انبار کالاهای احتکارشده یاور زد، یاور از آن محل کوچ کرد و رفت. مردم البته نگران بودند و این نگرانی را با یکدیگر در میان می‌گذاشتند. تا حدودی هم حق داشتند. برای آن‌ها کم و کیف ماجرا چندان مهم نبود، نکته‌ای که در اولین روز نبود یاور به ذهن و زبان‌شان آمد این بود که حالا اجناس کوپنیمان را از کجا بخیریم؟ مغازه یاور تنها بقالی آن محل بود که کم کم و به مرور زمان تبدیل به سوپرمارکت شد و همه چیز هم در آن پیدا می‌شد.

وقتی یکی دو هفته از ماجرا گذشت و همسایه‌ها به نبود یاور عادت کردند، پسران پسران به فروشگاه بزرگی رسیدند که اسمش تعاونی بود و فقط اجناس کوپنی داشت و گاهی هم با دفترچه ارزاق چیزهایی به خورد مردم می‌داد. محل و مکانش جای دلگیری بود. نظمی نداشت و چندکیلومتر پیاده‌روی لازم بود تا به آن برسی. اما این‌ها نکات چندان مهمی نبود و اهل محل خیلی زود به آن عادت کردند. مسأله‌ای که هیچ‌وقت برای مردم جا نیفتاد و هیچ‌کس قادر به هضمش نبود، قیافه عبوس و طلبکار آقای پشت دخیل بود که ما اسمش را «مستر تاوان» گذاشته بودیم که یعنی آقای طلبکار تعاونی.

مستر تاوان انگار با زمین و زمان سر جنگ داشت و فکر می‌کرد شیشه عمر مردم در دستش است. من نمی‌دانم، شاید هم واقعا همین‌طور بود. هرچه بود، هربار که رادیو-تلویزیون شماره کوپن جدیدی را اعلام می‌کرد، مردم به سمت تعاونی سرازیر می‌شدند. ساعت‌های رنج‌آور و خسته‌کننده‌ای را در صف می‌گذرانند، بد قلقی‌های مستر تاوان را تحمل می‌کردند و آخر سر با قندی، روغنی، برنجی یا دوسه تا صابون و جعبه تاید به خانه برمی‌گشتند.

پاییز که از راه رسید، نگرانی مردم بیشتر شد، چون تعاونی در انتهای سربالایی تندى قرار داشت. اگر برف می‌بارید و یخبندان می‌شد، راهی برای رسیدن به آن‌جا نبود.

\*\*\*

صبح یکی از همان روزهای سرد پاییزی، وقتی مردم تند و تند می‌رفتند تا به سرویس‌های خود برسند و دانش‌آموزها- خواب‌آلود و شاکى- راهی مدرسه بودند، چشمشان به مغازه یاور افتاد. کرکره‌اش بالا بود و غریبه‌ای آن‌جا را تمیز می‌کرد. خبر خیلی زود همه‌جا پخش شد. مردم، خوشحال از بازگشایی مغازه، برای خوشامدگویی و سردرآوردن از ماجرا به سمت مغازه راه افتادند.

شب بعد از شام، مادرم چندوچون قضیه را به تفصیل برای ما تعریف کرد. گفت مغازه را یکی از برادران دریانی اجاره کرده اما رتق و فتق و فروشدگی‌اش را به عهده عاقله‌مردی گذاشته که به‌تازگی از افغانستان به ایران آمده است. گفت اسم پیرمرد صمد است، فعلا اتاقی را از مهری خانم- همسایه سر کوچه- اجاره کرده و قرار است بعد از چندماه که خودش جالفتاد، همسر و فرزندان‌ش هم به ایران بیایند.

چندروزی طول کشید تا مغازه سرپا شود. بعد از پرسیدن مغازه از اجناس و راه انداختن یخچال بزرگ شیشه‌ای، تابلوی کوچکی بالای آن نصب کردند که فقط دوکلمه روی آن نوشته شده بود: سوپر دریانی.

صمد تمیز و مرتب بود. قد بلندی داشت و موهای سر و ریشش سفید و کوتاه بود. نمازش را سر وقت در همان مغازه می‌خواند. خط خوبی داشت و در مواقع بی‌کاری هم کتاب دستش بود. می‌گفت در افغانستان دانشگاه رفته و ادبیات خوانده، چندسالی هم دبیر بوده اما حالا دست سرنوشت او را به این‌جا آورده است. همه اهل محل صمد را دوست داشتند و بعد از چندبار که من او را عموصمد صدا کردم، کم‌کم به همین اسم معروف شد و کوچک و بزرگ او را به همین اسم صدا کردند. من وارد دبیرستان شده بودم و رشته فرهنگ و ادب می‌خواندم اما هنوز حال و هوای کودکی داشتم. مادرم گاه‌گاه سینی غذایی برایش آماده می‌کرد و دست من می‌داد تا برایش بزم. می‌گفت مرد آبرودار و محترمی است و تا آمدن زن و بچه‌اش باید هوایش را داشته باشیم. این بود که رابطه ما با عموصمد بیش‌تر شد. من هرازگاهی به مغازه دریانی می‌رفتم و از او می‌خواستم با لهجه شیرین درى و خراسانی‌اش برایم تاریخ بیهقی بخواند و ذوق‌زده، با استادی و مهارت می‌خواند. وقتی شماره کوپن جدیدی اعلام شد، مردم به سراغ عموصمد

رفتند تا جنس کوپنیشان را از او تحویل بگیرند. اما انگار قرار نبود از سربالایی تعاونی خلاص شوند. عمو صمد گفت مغازه دریانی جنس کوپنی ندارد و وقتی مردم علتش را پرسیدند، دست و پاشکسته درباره مجوز و وزارت بازرگانی و ستاد بسیج اقتصادی چیزهایی گفت که نه خودش فهمید و نه بقیه.

روزها به‌تندی گذشت. زمستان آن سال سخت و پربرف بود. یکی از همان روزها، مادرم درحالی که کاسه آش را تزئین می‌کرد، گفت آماده شوم تا با هم به تعاونی برویم. بعد از خانه بیرون آمدیم و کاسه به‌دست، به سراغ عموصمد رفتیم. عمو آش را گرفت و از مادرم پرسید در این سوزوسرما کجا می‌رویم؟ مادرم هم ماجرای جنس کوپنی و مستر تاوان را تعریف کرد. عموصمد، وقتی از ماجرا مطلع شد، با اصرار از مادرم خواست که خرید اجناس را به او بسپارد. مادرم بعد از کلی تعارف، قبول کرد و چندقطعه کوپنی که در دست داشت به او داد. ما



به خانه برگشتیم و چندساعت بعد، عموصمد با کیسه جنس‌ها از راه رسید. یکی‌دوباری که این کار تکرار شد، مادرم به عموصمد پیشنهاد داد که در قبال دریافت مزد، خرید اجناس کوپنی اهل محل را برعهده بگیرد. عمو هم از خدا خواسته قبول کرد. به‌این ترتیب، آن سال زمستان، همسایه‌ها از رنج بالاترفتن از سربالایی و تحمل اخم و تخم مستر تاوان معاف شدند.

\*\*\*

نزدیکی‌های بهار همسر عموصمد به ایران آمد. اسمش دلبر بود، زنی قوی، باسواد و باتدبیر. ظرف دوسه روز زیر وبم کار در مغازه را یاد گرفت و با همسایه‌ها ایاق شد. اوضاع خوب پیش می‌رفت و مردم دوستشان داشتند. دلبر گاه‌گذاری به خانه ما می‌آمد و از سختی‌هایی که در افغانستان کشیده بود، تعریف می‌کرد. یکی‌دوبار هم ما را به خانه‌شان دعوت کرد اما مادرم هربار به بهانه‌ای دعوت او را رد می‌کرد و می‌گفت بهتر است او به خانه ما بیاید.

تعطیلات عید که تمام شد، یکروز دلبر به مادرم گفت قرار است پسر و عروسش به همراه دو فرزندشان به ایران بیایند. خوشحال بود. می‌گفت این‌طوری برای همه‌شان بهتر است. از عروسش خیلی تعریف می‌کرد. می‌گفت زن نجیب و بسازی است و از خانواده‌ی خوبی آمده. بعد صاف و سراسر گفت قرار است او و عموصمد برای باغبانی به یکی از باغ‌های محل بروند و پسر و عروسش جای آن‌ها را در مغازه و در خانه مهری خانم بگیرند.

یک‌ماه بعد، وقتی پسر عموصمد با خانواده‌اش وارد ایران شد، طی یک نصف‌روز تمام نقل و انتقالات مربوط به خانه و مغازه را انجام دادند

و جاگیر شدند. اسم پسر عموصمد، محبت بود، زنش اندیشه. همان‌طور که دلبر می‌گفت زن خوب و مظلومی بود اما همیشه خدا بی‌حال و کسل احوال بود، قدبلند و لاغر با چهره‌ای تکیده و زرد. خودش می‌گفت دختر و پسرش را پشت سرهم و به اصطلاح «شیربه‌شیر» زاییده. بعد از آن هم یک چنین پنج‌ماهه سقط کرده و دیگر حالش به روز اول برنگشته. عمو صمد و دلبر سفارش اندیشه را به ما کرده بودند. ما هم هوایش را داشتیم. مواظبش بودیم. گاهی بچه‌هایش را ضبط و ربط می‌کردیم و گاهی غذاهای مقوی برایش می‌بردیم تا جانی بگیرد.

آن روز، اندیشه و بچه‌هایش چندساعتی در خانه ما بودند، اما موقع رفتن، همین که اندیشه از جایش بلند شد، سرش گیج رفت و افتاد. مادرم که هراسان شده بود، مرا به مغازه دریانی فرستاد و گفت خبر بدهم که اندیشه را به درمانگاه می‌بریم. آن‌جا بود که درست و درمان محبت را دیدم. مثل پدر و مادرش قد بلندی داشت اما برخلاف پدرش وسط سرش کچل بود. ریش و سبیلش را از ته زده بود. چشمان تیزی داشت و نگاهش معذبم می‌کرد. تندی بیرون آمدم و به بازی کردن با بچه‌های او مشغول شدم. یکی دو ساعت بعد، مادرم با یک کیسه داروبرگشت و گفت برای اندیشه آزمایش نوشته‌اند. انگار کم خونی دارد.

من اندیشه را دوست داشتم. باصل و نسب بود. نجیب بود. مهربان بود. اما بیشتر از این‌ها، دلم برایش می‌سوخت. این بود که بیشتر از قبل هوایش را داشتم. با خودم قرار گذاشته بودم تا وقتی حالش کاملاً خوب نشده، کمکش کنم. همین کار را هم کردم. مادرم یکی‌دوبار سر بسته گفت که کمتر دور و بر اندیشه باشم اما من گوشم بدهکار نبود. احساس رسالت می‌کردم. البته هیچ‌وقت به خانه‌شان نفتم و از محبت هم دوری می‌کردم. بعد از قضیه غش کردن، هربار که اندیشه به خانه ما می‌آمد، موقع برگشتن محبت دنبالش می‌آمد و او را با خود می‌برد. بالاخره هم دوا و درمان، استراحت و غذای کافی اثر کرد و رنگ و روی اندیشه بهتر شد.

\*\*\*

رسالتم را انجام داده بودم و مشغول درس و زندگی خودم بودم. پاییز شده بود و یک‌ماهی از شروع مدرسه‌ها می‌گذشت. اندیشه و بچه‌هایش را گاهی می‌دیدم. زن عاقلی بود. حالش هم خوب بود و در ایران و در محله ما جا افتاده بود.

اواسط آبان، وقتی هوا شروع به سرد شدن کرده بود، یک‌روز ظهر به عشق ماکارونی ناهار تند و تند به خانه آمدم و با لباس مدرسه سر سفره نشستم. تازه مشغول شده بودم که زنگ در خانه را زدند. مادرم رفت که در را باز کند و چند دقیقه بعد برگشت. گفت: اندیشه بود، عصری به خانه ما می‌آیند. راستش

ته دلم خوشحال بودم. شاید دلم برای او و بچه‌هایش تنگ شده بود. اتفاقاً آن روز عصر غیر از من و مادر و پدرم کسی در خانه نبود. آفتاب هنوز روی زمین پهن بود که زنگ را زدند. من با خوشحالی به سمت در دویدم. در را که باز کردم، یک‌جفت چشم نیز از پشت گل‌های شمعدانی نگاهم کرد. شمعدانی در یک گلدان پر از خاک بود، باطراوت و خوشرنگ. جا خوردم. محبت اینجا چه می‌کند؟ بعد از او اندیشه و بچه‌هایش وارد شدند. مادرم آمد که گلدان را از دست محبت بگیرد اما او یکباره گلدان را به‌دست من داد. حس خوبی نداشتم. دست بچه‌ها را گرفتم و به حیاط رفتم. چند دقیقه ای از بردن بساط چای نگذشته بود که دیدم اول محبت چندکلمه‌ای حرف زد، بعد مادرم از جا بلند شد. درب خانه را باز کرد و فقط گفت: بفرمایید بیرون.

همان‌روز مادرم به سراغ عموصمد و دلبر رفت. از آن‌ها گلایه کرد. به محبت هشدار داد و برگشت. ماجرای خواستگاری محبت از من، تا مدت‌ها به اسباب شوخی و تفریح خواهر و برادرهایم تبدیل شده بود. خودم تا همین چندسال پیش حتی از به یادآوردن آن هم فرار می‌کردم. اما بعدها متوجه تمایز سنت‌ها و تفاوت آداب شدم. عموصمد که سه تفنگدار، یعنی برادرهای پر شر و شور مرا می‌شناخت، به هشدار مادر توجه کرد. فوراً محبت را به نقطه دیگری از شهر فرستاد. من هم در دانشگاه قبول شدم و سرگرمی‌های تازه پیدا کردم اما این تنها مورد از خواستگارهای عجیب و غریب من نبود.

\* عنوان مطلب، مصرعی از شعر شهریار است:

به تیره‌بختی خود کس نه دیدم و نه شنیدم ز بخت تیره خدا یا چه دیدم و چه کشیدم



- زمرد زرکش

هر پدیده‌ای در جامعه، از سنت‌ها و آداب و رسوم گذشته نشأت گرفته و با گذشت سال‌ها قرن‌ها تغییر کرده و به شکل امروزی در آمده است، مثل پدیده از دواج که از ابتدای خلقت با آدم و حوا آغاز شد و جوامع انسانی طی قرن‌ها آداب و رسوم و قوانینی برای آن تعریف کردند که بعضی از آنان مؤثر و مفید بوده و بعضی دست‌وپاگیر و بعضی هم موجب ایجاد سوء تفاهم و به‌هم خوردن این سنت مقدس شده‌اند. در این رابطه با خانم فرزانه، حقوق‌دان و وکیل دادگستری، گفتگویی داشتیم که از نظر نان می‌گذرد.

\*\*\*

**خانم فرزانه** **از نظر شما به‌عنوان یک حقوقدان که به‌طور مستقیم هرروزه با مشکلات زوج‌ها روبه‌روست، چرا در سال‌های اخیر جوانان به‌خصوص خانم‌ها کمتر تن به ازدواج می‌دهند یا در سال‌های اولیه دچار مشکل شده و گاهی کارشان به دادگاه و در نهایت جدایی کشیده می‌شود؟ آیا قوانین در این امر تأثیر گذارند؟**

به این سؤال تنها از منظر حقوقی نمی‌توان پاسخ داد و من نمی‌توانم صرفاً از دید یک حقوقدان به مساله نگاه کنم، زیرا در این مورد، مسایل حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در هم تنیده شده‌اند.

قانون مدنی کشور در بحث اشخاص، مصوب سال ۱۳۱۳ شمسی و در مبحث نکاح و طلاق اصولاً برگرفته از فقه امامیه و شرح مقدس است و بسیاری از قوانین مستقیماً قرآن (سوره نسا) آمده‌اند. در کتاب هفتم قانون مدنی از مسایلی مانند خواستگاری، مهریه، انواع نکاح (ادیم و موقت) طلاق و غیره سخن به‌میان رفته است.

در این حوزه، اولین مسأله برتری مرد بر زن است. در ماده ۱۱۰۵ آمده ریاست خانواده با شوهر خواهد بود که برگرفته از آیه «الرجال قوامون علی النساء» است. این ماده ظاهراً یک جمله است اما آثار و تبعات بسیاری دارد. از جمله آثار ریاست مرد بر خانواده، نام خانوادگی اوست که روی طفل مشترک گذاشته می‌شود. دوم حق انتخاب مکان زندگی است و در ماده ۱۱۱۴ قانون به‌صراحت اعلام شده که مرد تعیین می‌کند زن کجا سکنی گزیند، مگر آن‌که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. مورد بعد و لایت قهری پدر بر فرزند است. در ماده ۱۱۸۱ آمده که ولایت قهری فرزند با پدر یا جد پدری است. ماده ۱۱۰۸ درباره تمکین زن است که اگر زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زناشویی خودداری کند، مستحق نفقه نخواهد بود و در نهایت ماده ۱۱۱۷ درباره بازداشتن زن از شغل تحت شرایطی خاص است.

**آیا چنین قوانینی پاسخگوی مسایل زنان امروز هستند؟**

برای ورود به این بحث ناگزیر به طرح مقدمه‌ای هستیم. بعد از انقلاب صنعتی، سیاست کلی جهان بر این قرار گرفت که زنان به‌عنوان یکی از اهرم‌های کار و تولید از منزل بیرون بیایند و وارد بازار کار شوند. این موضوع از اروپا آغاز و به‌سایر نقاط دنیا نیز کشیده شد.

اما پس از گذشت سال‌ها و با ایجاد تغییرات فراوان اجتماعی، دخترانی که در جامعه امروز پرورش یافته و زندگی می‌کنند، تفاوت زیادی با زنان دهه ۴۰ و ۵۰ دارند. فرزندان آنان که متولدین دهه ۷۰ و ۸۰ هستند، اختلاف فاحشی با نسل‌های ماقبل خود دارند. برای مثال دختران متولد دهه ۵۰–۴۰ وقتی به سن ۱۸ تا ۲۰سالگی می‌رسیدند، ازدواج می‌کردند و فرزندار می‌شدند و مسأله کار کردن بیرون از منزل یا ادامه تحصیل برای همه مطرح نبود، درحالی‌که هم اکنون از بدیهیات است که دختران پس از دیپلم، وارد دانشگاه و سپس وارد بازار کار شوند و نمی‌توان از آنان انتظار داشت که مثل زنان پنجاسال پیش رفتار کنند.

قوانین کشور بیش از ۸۰سال پیش نوشته شده و نیاز به بازنگری دارد. بعد از گذشت بیش از هشت‌دهه و با سرعت فزاینده‌ای که در تغییر آداب، رفتار و تحولات تسلسل جدید به‌وجود آمده و با وجود رسانه‌های متعدد، شبکه‌های مجازی و حجم اطلاعاتی که دختران و زنان از این طریق دریافت می‌کنند

–که در مقایسه با ۵۰سال گذشته چندهزار برابر شده– نمی‌توانیم توقع داشته باشیم خانمی که با مقتضیات زمانه خودش پیش می‌رود، بتواند مانند شخصی که ۵۰سال یا حتی ۲۰سال پیش زندگی می‌کرده، رفتار کند.

در گذشته برای دختر خانمی که در سن ازدواج بود، کدبانوگری و دانستن رموز خانه‌داری یک فضیلت به‌شمار می‌آمد و داشتن دستپخت خوب و مدیریت منزل از اولویات‌های مهم دختران و زنان بود، درحالی‌که دختران و زنان امروز با داشتن اطلاعات بالا و تغییرات بنیادین و اساسی که در زندگی روزمره به‌وجود آمده، نمی‌توانند از پیشرفت شخصی باز بمانند. اگرچه قوانین قابل‌احترام هستند اما برخی از آن‌ها نیاز به بازنگری اساسی دارند. برای مثال در ماده ۱۱۳۳ آمده که مرد می‌تواند با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بکند و این مسأله به مرد قدرت بالامتازع در طلاق می‌دهد. با نگاه عادی، ظاهر ماده طوری نوشته شده که به‌نظر می‌آید مرد باید ادله‌ای داشته باشد اما واقعیت این است که اگر مرد بخواهد، می‌تواند همسرش را بدون هیچ دلیل موجهی و با دادن حقوق او طلاق بدهد، درحالی‌که این امر از طرف زن به‌راحتی امکان‌پذیر نیست. زن باید حتماً عسر و حرج یعنی سختی و تنگنای خود را در زندگی ثابت کند که به‌راحتی میسر نیست و گاهی نمی‌تواند اثبات کند و سال‌ها عمرش در دادگاه تلف می‌شود.

از طرح مباحث فوق می‌خواهم به این نتیجه برسم که یکی از دلایل انگیزه ازدواج نداشتن برای خانم‌ها همین مسایل است. برای دختران امروز سخت است که خودشان را در چارچوب‌های مادران و مادرزبزرگانشان قرار بدهند. امروزه زنان خود را یکی از پایه‌ها و ارکان زندگی می‌دانند؛ چراکه هم در خانه و هم بیرون از منزل کار می‌کنند و گاهی تأمین نیمی از هزینه‌های زندگی را به‌عهده می‌گیرند، بنابراین توقع حقوق عادلانه دارند.

برمی‌گردد، به مسایل همسرداری بپردازد و در این بین غذای روز بعد را هم آماده کرده باشد و دوباره روز از نو روزی از نو.

یکی از قوانینی که به آن‌ها اشاره شد این بود که مرد می‌تواند زن را از داشتن یا ادامه شغل خودش منع کند و این بدان معنا نیست که شغل زن حتماً منافی حیثیت و آبروی خانواده باشد، بلکه مرد می‌تواند همسرش را حتی با داشتن درجه بالای علمی مثل پزشکی و مهندسی از کار منع کند و با تقبل هزینه‌های

زناشویی از آنان خواسته می‌شود مانند مادران و مادرزبزرگانان ازدواج‌ها هستند، سرخورده شده و تن به ازدواج نمی‌دهند. گاهی هم با بالاتر رفتن تحصیلات و جایگاه اجتماعی، مرد مناسبی نمی‌یابد و با ازدواج با شخصی که تفاوت‌های فاحشی با او دارند، زندگی و آینده خود و همسرشان را درگیر چالش‌های فراوانی می‌کنند که در بعضی مواقع پایان خوشی ندارد. آن‌ها می‌بینند

باوجود تمامی امتیازاتی که با سختی کسب کرده‌اند، در زندگی باوجود تمامی امتیازاتی که با سختی کسب کرده‌اند، در زندگی

همسر، و را از ادامه کار بازداشته و در منزل نگه دارد. درصورتی که حضور زنان در جامعه صرفاً برای کسب درآمد نیست بلکه حضورشان با داشتن تخصص‌های گوناگون علاوه بر بهره‌وری، حس مفید و مثمر‌تر بودن آن‌ها را نیز تأمین می‌کند. استراحت ناچار است امور منزل را انجام دهد و شب هم که همسر



دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۹-سال نود و پنجم-شماره ۲۷۶۰۹

**گفتگو با عاطفه فرزانه**ر، حقوقدان و وکیل دادگستری، درباره قوانین مرتبط با ازدواج

# زن امروز و قوانین دیروز



زناشویی

ازدواج

مهریه

طلاق

مهریه

طلاق

مهریه

طلاق

مهریه

طلاق

مهریه

طلاق

مهریه

طلاق

مهریه

طلاق

مهریه

طلاق

درک این مسأله دور از ذهن نیست، برای این‌که حافظه تاریخی مردان ما برتری داشتن مرد بر زن و سالار بودن او را درخود حک کرده؛ به‌طوری‌که مادران ما و مادران نسل‌های پیشین این برتری را پذیرفته و آموزش داده‌اند. این مباحث از دید خانم‌ها مطرح است، پس زن امروز با همه محدودیت‌هایی که می‌تواند بر او غالب شود و باوجود پیشرفت‌هایی که داشته‌است، هنگامی‌که مبحث ازدواج پیش می‌آید و می‌بیند باید مطابق الگوهای گذشته زندگی کند تا قوانینش از او جانبداری کنند، پذیرش برایش دشوار می‌شود و عامیانه بگوییم از خیر ازدواج می‌گذرد.

**قطعاً آقایان هم دلایلی برای تمایل نداشتن به ازدواج دارند.**

بله و از موضع خود کاملاً محق هم هستند. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلایل آنان برای عدم تشکیل خانواده یا تشکیل دیر هنگام آن، مهریه است. فلسفه مهریه در اسلام چیز دیگری بوده و امروز کاملاً با اصل خود فاصله گرفته است. مهریه از اقتضات عقد دایم به‌شمار می‌رود و سنتی است که از زمان پیامبر مرسوم شده و طی قرون متمادی به‌شکل امروزی در آمده است.

در شرایط کنونی جامعه با بالا رفتن قیمت طلا و سکه و با معیارهای عجیب و غریبی که برای تعداد سکه‌های مهریه درنظر گرفته می‌شود، چنین مبلغی برای یک مرد غیرقابل پرداخت است، به‌خصوص که مهریه عندالمطالبه است و پذیرفتن بار به این سنگینی بسیار دشوار خواهد بود.

در مورد مهریه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، حقی برای خانم‌ها درنظر گرفته شده به این مضمون که زن می‌تواند تا زمانی که مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در برابر شوهر دارد، امتناع کند، مشروط بر این‌که مهر او حال باشد و این امتناع مستحق نقض نخواهد بود. به زبان ساده دختری که عقد کند اگر طلب مهر به داشته باشد، تا زمانی که مهر به او تحویل نشود می‌تواند به منزل مرد نرود تا مهریه را تمام و کمال دریافت کند و مرد نمی‌داند همسر دارد یا نه.

چندلحظه خودمان را به‌جای یک مرد جوان بگذاریم که با سختی مسکن تهیه کرده و برای ازدواج متحمل هزینه‌های بالایی شده و فردای عقد باید مهریه همسرش را بپردازد؛ جوانی که شاید تمام دارایی‌اش صد میلیون باشد، باید چند میلیارد بپردازد و درغیر این‌صورت اگر اموالی مانند زمین، خانه، مغازه یا اتومبیل داشته باشد به‌نفع همسرش ضبط می‌شود. یعنی مالی که یا سال‌ها برای آن زحمت کشیده یا به او به ارث رسیده یا خانواده به نامش کرده‌اند، در یک‌روز از دست می‌رود.

بنابراین چاره‌ای نداریم جز این‌که به‌جای سخت‌تر کردن قوانین، روی مشکلات فرهنگی دختران و پسران کار کنیم. بازسازی زیرساخت‌های فرهنگی از دبستان تا دانشگاه با کمک متخصصان درنظر گرفته شده و بر روی آن کار شود.

در این موضوع، ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و حقوقی درهم تنیده‌اند و غیرقابل تفکیک هستند. هنگامی‌که زوج‌ها به وکلا یا مشاوران مراجعه می‌کنند می‌توان مشاهده کرد که چطور مسایل مختلف بر روی زندگی آنان تأثیر گذاشته است.

مهریه، تهیه مسکن و هزینه‌های ازدواج یک مسأله اقتصادی است یا برتری طلبی مرد یک مسأله فرهنگی و تربیتی است که باید با بسترسازی جامعه آرام‌آرام به‌سمت تعدیل پیش رود.

در این بین استفاده نادرست از شبکه‌های اجتماعی نیز یکی دیگر از معضلات است. احتمال ایجاد ارتباطات خارج از عرفی که در این شبکه‌ها شکل می‌گیرد می‌تواند مشکلات و معضلات بسیاری به‌وجود بیاورد که باید جدی گرفته شود. فرهنگ باید آرام‌آرام جایفتد، زیرا این‌گونه تغییرات یک‌شبه شکل نمی‌گیرند. سال‌ها باید تلاش کرد تا تغییرات بنیادی اتفاق بیفتد.

امید است همان‌گونه که در قرآن کریم آمده «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه». ازدواج به هدف واقعی خود که همانا انس و مودت و آرامش زن و مرد در کنار یکدیگر است نزدیک شود.

## نگاهی به سن ازدواج درکشورها

- گائل دیوبن / ترجمه: معصومه خطیبی بایگی

امروزه میانگین سن ازدواج در زنان ۲۳سال و در مردان ۲۶سال است، یعنی دوسال بیشتر از میانگین سن ازدواج در سال ۱۹۸۰. این افزایش تمام مناطق جهان و اقشار مختلف مردم را دربر می‌گیرد. به‌تأخیر افتادن سن ازدواج در اروپا و آمریکای شمالی بسیار محسوس است (به‌طور میانگین چهار سال برای هر دو جنسیت). این افزایش در آفریقا به‌طور میانگین حدود دوسال و در آسیا و آمریکای لاتین حدود یک‌سال گزارش شده است.

این آمار که از پایگاه داده‌ای در آمریکا با درنظر گرفتن تقسیمات جمعیتی به‌دست آمده، در مؤسسه ملی مطالعات جمعیتی فرانسه (INED) در پاریس توسط خانم ولادیمیرا کانتوروا، یکی از مسئولان تقسیم جمعیتی در سازمان ملل متحد منتشر شده است. این پایگاه داده که تاکنون ۱۴۶۲ سرشماری و پژوهش ملی را انجام داده است، به پژوهشگران امکان می‌دهد که سیر تحول ازدواج سنتی و دیگر اشکال روابط آزاد خارج از ازدواج از سال ۱۹۷۰ تاکنون را در ۲۲۸ کشور جهان مورد بررسی قرار دهند.

به گفته خانم کانتوروا «مطالعهٔ موقعیت زناشویی افراد ما را از شاخص‌های زیادی آگاه می‌کند، ازجمله دسترسی به‌تحصیل، امکان بابوری، استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری، سلامت و طول عمر. به‌عنوان مثال، مطالعات نشان می‌دهند ازدواج در یک بازه سنی خاص، امید به زندگی را به‌طور فراوانی افزایش می‌دهد.»

#### کاهش فاصله سنی

به‌تأخیر افتادن سن ازدواج پایدار برده از حقایق زیادی برمی‌دارد. این جمعیت‌شناس می‌گوید: «در کشورهای ثروتمند، ازدواج دیر هنگام نشان‌دهندهٔ به‌تأخیر افتادن ازدواج تا سن بزرگسالی و بازتابی از شرایط اقتصادی نامطلوب در بین جوانان است؛ امری که تشکیل خانواده را حساس‌تر و دشوارتر می‌کند. در کشورهای در حال توسعه، افزایش سن ازدواج با دسترسی زیاد به تحصیل هم برای زنان و هم برای مردان در ارتباط است.»

ورونیک هرتریش، مدیر پژوهش موسسه ایند فرانسه و متخصص مسائل آفریقا خاطر نشان می‌کند: «افزایش سن ازدواج برای زنان نشان‌دهنده پذیرش امکان زندگی خارج از قالب همسر و مادر بودن است. این امر نشان می‌دهد که عقیدهٔ زنان نسبت به گذشته بیشتر مورد توجه قرار گرفته می‌شود. شاخص دیگری نیز وجود دارد که همین معنا را دربردارد: کاهش فاصله سنی بین زن و شوهر (به‌طور میانگین سن مردان همچنان بیشتر از سن زنان است). در آفریقا فاصله سنی بین زوج‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای زیاد است. این فاصله از ۵/۴سال در ۱۹۸۰ به ۴/۷سال در حال حاضر رسیده است. فاصله سنی همسران در آمریکای لاتین ۲/۹سال، در آمریکای شمالی و اروپا ۲/۵ سال و در آسیا همچنان ۳ سال است.»

خانم هرتریش در ادامه می‌گوید: «تفاوت سنی بیانگر وجود نابرابری بین همسران است و همین امر امکان چندهمسری را فراهم می‌آورد. کاهش فاصله سنی بین زن و شوهر به معنای کاهش شمار روابطی است که در آن اهمیت به زن داده نمی‌شود، به این بهانه که وی در مقایسه با شوهرش سن کمتری دارد.»

#### پایان سلطهٔ ازدواج

علی‌رغم افزایش سن ازدواج و انقلابی که در شکل ازدواج‌های سنتی ایجادشده است، نباید وجود ازدواج‌های زودهنگام را که استقلال، تحصیل و سلامت نوجوانان را تهدید می‌کند، کتمان کرد. در حدود ۴۰ کشور دنیا، شمار زنانی که قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند از مرز ۳۰درصد عبور کرده است. بسیاری از این ازدواج‌ها در آفریقای مرکزی و غربی و جنوب آسیا اتفاق می‌افتند. نرخ ازدواج در سنین پایین در جمهوری نیجر ۷۵درصد، در چاد ۷۲درصد و در بنگلادش ۶۶درصد است. دختران کم‌سن و سال فقیر، بی‌سواد یا کم‌سوادی که در محیط‌های روستایی زندگی می‌کنند، بیش از سایرین در معرض خطرات ناشی از ازدواج پیش از موعد قرار دارند.

آمار و ارقام سازمان ملل متحد از وجود پدیده‌ای دیگر نیز خبر می‌دهد: پایان انحصار ازدواج سنتی و افزایش قابل توجه «روابط توافقی» (هم‌خانگی یا رابطه آزاد بدون ازدواج رسمی). این نوع روابط در آمریکای لاتین و در جزایر کارائیب بسیار رایجند. جوانان اروپا و آمریکای شمالی اشکال جدید ازدواج‌های توافقی را به ازدواج سنتی ترجیح می‌دهند. در بعضی از کشورها ازجمله دانمارک، افزایش زناشویی آزاد، کاهش ازدواج رسمی را جبران می‌کند اما در بعضی دیگر از کشورها ازجمله ایتالیا این‌گونه نیست. در این کشورها مجردی مطلق یا روابط عاشقانه بدون هم‌خانگی گسترش بیشتری دارد.

هنوز به‌طور قطع نمی‌توان گفت که عامل افزایش سن ازدواج، بی‌اهمیت شدن ازدواج نزد جوانان است یا این‌که ازدواج صرفاً راهی برای به رسمیت شناخته‌شدن روابط آزاد در بین این افراد است.

**منبع: روزنامه لوموند، ۹ ژوئن ۲۰۱۶**





## داستان

## در موج موج عطری نرزه



• گودرز گودرزی (مجید)

ذهن خالی‌ام این اجازه را به من نداد که از خودم ببرسم: آیا دختر همسایه‌مان با علم به این موضوع که کسی به‌جز من در خانه نیست، خرابی تلفنشان را بهانه کرده و...

— آقای مجیدی! تلفنم تموم شد.

از حبس گاهم بیرون آمدم؛ دو دقیقه بیش‌تر طول نکشید. دیدم دم در اتاق ایستاده است؛ با همان چادر، با همان لیخنه، با همان نگاه. من اما چیزی از آن همه نفهمیدم. برایم غیرقابل خواندن بودند؛ چون سواد خواندنشان را نداشتیم. سرم را پایین انداختم و فقط زیر لب گفتم: بله!

و نگاهم افتاد به گل وسط قالی. عطری نرزه در هوا معلق بود. صدایش را شنیدم که تشکر کرد. و راه افتاد. این بار او جلو می‌رفت. دیدم که جورابی به‌پا ندارد و بعد دیدم که با دمپایی آمده. پیش از آن که از تک‌پله پایین برود، رو برگرداند و تبسم کتان برای سومین مرتبه قدرانی کرد و چادرش را روی سر جابه‌جا کرد و رفت.

\*\*\*

دو سال بعد که از آن کوچه و محله کوچ کردیم، شنیدم که دختر همسایه دیواره دیوار خانه سابقمان ازدواج کرده.

پرسیدم: کدوم؟

— همون که بعضی وقتا می‌امد دم خونه و کم‌وکسر خونه‌شونو از ما می‌گرفت. مرجانو می‌گم. ناگهان چیزی در ته وجود پاره شد. احساس کردم با دندان، تکه‌ای بزرگ از جگرم را کنده‌ام. دلم غش رفت. باورم شد نفسم نامطمئن می‌شود. چه رنجی کشیدم تا خودم را بی تفاوت نشان بدهم! به‌بهانه کاری پاشدم و خانواده تیبو را از قفسه کتاب‌خانهم بیرون کشیدم و لایش را باز کردم: «نوری از این تن صدف‌گونه ساطع بود... با شوری که عشق در او برمی‌انگیخت، به حد خودپسندی ابلهانه‌ای رسیده بود. گفت: می‌دانی؟ من و تو طوری ساخته شده‌ایم که می‌توانیم یک‌قرن زندگی بکنیم. راشل با چشم‌های نیم‌بسته و نگاه مهربان زیر لب پرسید: با هم؟»

\*\*\*

آه خدایا!

پس اسمش «مرجان» بود! پس آن نگاه زنده، آن روی سفید مانند برگ گل، آن موهای صاف و براق، آن چشم‌های سیاه و شوق‌گون و آن پوست روشن مال مرجان بودند!

آن چادر سفید گل‌مخالی... آن پیشانی مرمیرین... آن دمپایی‌ها... آن لیخنه‌ها...

«مرجان... مرجان... تو مرا کُشتی... به که بگویم؟... مرجان... عشق تو... مرا کشت.» دیدم بدن خودم را کشانده‌ام کنج اتاق و دارم از پشت پرده بلورین و موج‌دار گریه‌ای سنگین و غلیظ ولی بی‌صدا — در موج موج عطری نرزه — «دش‌اکل» صادق هدایت را می‌خوانم.



عصر بود که زنگ بلبل خانه به صدا درآمد. «خانواده تیبو» را بستیم و آن را روی تلویزیون گذاشتیم و رفتیم تا در را باز کنیم. دختر نرزه — بیست ساله همسایه دیوار به‌دیوارمان بود. باوجودی که ده — یازده سالی می‌شد که همسایه‌مان شده بودند و گاه‌گاه همین دخترخانم، در خانه‌مان را می‌زد و کم‌وکسرشان را مانند تخم‌مرغ و پیاز و سیب‌زمینی و نان و بعضی وقت‌ها هم مرغ از ما قرض می‌گرفت و البته گاهی برای ما هم پیش می‌آمد که قرضی این چنینی از آن‌ها بکنیم ولی نه از تنها خواهرم و نه از برادران هشت و شش ساله‌ام نمی‌پرسیدم که نام دختر همسایه‌مان با آن موی صاف و براق و چشم‌های سیاه و شوق‌گون و پوست روشن چیست؟

بخش زیادی از کوچه در زیر آفتاب برق می‌زد. چادر سفید گل‌مخالی‌اش را کمی جلوتر آورد و چتر زلف روی پیشانی سفیدش را پوشاند و نگاهش را به کف کوچه و بعد به من انداخت و پرسید: ببخشین، مادر تون خونه‌س؟ همان‌طور که با چفت در بازی می‌کردم جواب دادم: نه متأسفانه! بعد بی‌آن که کسی دنبالم کرده باشد یا توضیحی بخواهد، بدون مکث گفتم: کسی خونه نیس. با «کسی خونه نیس» خواستم گوشه‌ای را بدهم دستش که برود و یکی دو ساعت دیگر بیاید تا مادرم آمده باشد خانه.

دوباره دیدم که دارد نگاهم می‌کند. یاد ملایم، دامن چادرش را به‌بازی گرفته بود. لیخنه نازکی زد و گفت: تلفن خونه‌مون خراب شده. خواستم اگه اشکالی ندارم... یادم نیست آب دهانم را قورت داده بودم یا نه، اما خوب به خاطر دارم که بی‌اراده لیخنه زدم و نگذاشتم حرفش تمام بشود. چفت در را ول کردم و پریدم توی صحبتش: الان می‌رم تلفنو می‌آرم...

و حالا نوبت او بود که حرف مرا قیچی کند: نه زحمت نکشین! خواستم اگه اجازه بدین بیام تو... دو دقیقه بیش‌تر طول نمی‌کشد. — خواهش می‌کنم! و خودم را کنار کشیدم. تک‌پله را که آمد بالا گفت: شما جلو بفرمایین!

در راست و پشت سرم راه افتاد. راه‌رو را که طی کردیم وارد حال شدیم. با دست اتاقی را که تلفن در آن جا بود نشان داد. همین که تشکر کرد، فوری خودم را در آشپزخانه حبس کردم!

در آن لحظه به هیچ چیز فکر نمی‌کردم. ذهن ۲۶ ساله‌ام کاملاً خالی بود؛ حتی خالی از آن بخش از زمان خانواده تیبو که در حال خواندنش بودم: «آنتوان زیر لب گفت: اگر من نقاش بودم... راشل با لیخنه زودگذری جواب داد: نگفتم خسته‌ای! هر وقت می‌خواهی هنرمند بشوی یعنی خسته شده‌ای. سرش را واپس افکند و چهره‌اش در سایه، میان هودج آتش فام موهایش، محو شد. نوری از این تن صدف‌گونه ساطع بود...»

چه می‌گویم! آن اندازه خالی که پاک فراموش کرده بودم که پنجره نسبتاً بزرگ آشپزخانه آن‌ها رو به کوچه بود؛ جوری که می‌توانستند از آن جا به راحتی رفت و آمد خانه‌مان را زیر نظر بگیرند.

## گفتگو

گفتگو با سعید بی‌نیاز — کارشناس ارشد روان‌شناسی

## افسانه‌های ازدواج

است، به نظر شما این پدیده می‌تواند عامل ترس از ازدواج باشد؟

اول باید در مورد فرض این سؤال بحث کرد. آیا واقعا بنیان خانواده در کشور سست شده است؟ خانواده ایرانی با بحران‌هایی روبه‌روست. آمار طلاق قانونی، عاطفی و خیانت بالاست. اما این به معنای سست شدن بنیان خانواده نیست. از نظر آماری هنوز تعداد خانواده‌های پایدار در ایران از خانواده‌هایی که به دلیل طلاق از هم گسیخته خیلی بیشتر است. شنیدن از اتفاق‌های ناگوار در خانواده‌های اطرافیان می‌تواند بر تصمیم فرد به ازدواج یا به تأخیر انداختن آن تأثیر بگذارد اما نه به اندازه دلایل جامعه‌شناختی و اقتصادی که در تخصص من نیست.

معایب و محاسن ازدواج در سنین بالا چیست؟

در سنین بالا افراد معمولاً پخته‌تر و بالغانه‌تر تصمیم می‌گیرند و رفتار می‌کنند. حداقل دست‌کم روی کاغذ، احتمالاً ازدواج عاقلانه‌تر و پایدارتری دارند. افراد در سن بالاتر، استقلال روانی و اقتصادی بیش‌تری از سنین پایین‌تر دارند.

نظر شما به عنوان روان‌درمانگر و مشاور، درباره ازدواج و شرایط روانی که باید افراد زمان ازدواج داشته باشند چیست؟



ازدواج اگر نگوئیم مهم‌ترین، اما یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی است که فرد در زندگی می‌گیرد. قرار است یک خانواده تشکیل شود و دو تن که از آمادگی‌های جسمی، روان‌شناختی و اقتصادی برخوردارند، تشکیل خانواده بدهند. متأسفانه عموماً تأکید روی کم‌اهمیت‌ترین بخش ماجرا یعنی بخش فیزیکی آن است. از زمان بلوغ در دختر و پسر آمادگی بدنی برای ازدواج مهیاست اما آیا آمادگی‌های دیگر هم وجود دارد؟ خیر. فردی برای ازدواج مهیاست که در درجه اول استقلال روانی داشته باشد، یعنی از خانواده مستقل باشد و بتواند تصمیم‌های مهم زندگی‌اش را خودش بگیرد، از نظر عاطفی به خانواده وابسته نباشد، از تنهایی خود هم لذت ببرد و به اصطلاح بند ناف روانی‌اش از خانواده بریده باشد. در درجه دوم این فرد باید آگاهی‌هایی در مورد زندگی مشترک داشته باشد. متأسفانه هنوز بسیاری از دانش‌های جوانان، افسانه‌های ازدواج است نه واقعیت‌های آن.



اما در سنین بالا خصوصاً در دهه چهارم زندگی و برای خانم‌ها از نظر فیزیولوژیک امکان دارد، مشکلاتی در بارداری به‌وجود بیاید که این خود می‌تواند همسران را مضطرب کند. همچنین در سنین بالا در بعضی افراد هیجان و شور زندگی کاهش می‌یابد و ممکن است انرژی روانی برای شروع یک زندگی پایین‌تر بیاید.

به نظر شما فرد تنها با ازدواج کامل می‌شود؟ یا این‌طور بگویم که آیا اگر شخصی از ازدواج نکند، نمی‌تواند به تکامل برسد و در واقع عمرش هدر رفته است؟

از نظر روان‌شناسی تکاملی، ذهن و بدن ما برای جفت‌گیری که نام متدنه ازدواج بر آن گذاشته‌ایم آماده و مشتاق است، اما به‌ر حال رابطه عاطفی بخشی از زندگی چند وجهی انسان به‌شمار می‌رود. افراد می‌توانند معنای زندگی را در شغل، تأثیرگذاری بر دیگران، یادگیری مادام‌العمر یا کسب تجربه‌های جدید بدانند و هیچ کدام از این‌ها به ازدواج محتاج نیست. هر شیوه زندگی که برای فرد با معنا باشد، بی‌پهلو نیست.

و سخن آخر؟

بیش‌ترین طلاق‌ها در ایران مربوط به سال اول زندگی است. این نشان می‌دهد که دو طرف یا آماده ازدواج نبوده‌اند یا دانش و مهارت بودن با دیگری را نداشته‌اند یا انتخاب اشتباهی کرده‌اند. مشاوره پیش از ازدواج از بسیاری از این طلاق‌ها پیش‌گیری می‌کند.

زمرد زرکش

به نظر شما دلیل بالا رفتن سن ازدواج در ایران و این که بسیاری از جوانان تن به ازدواج نمی‌دهند چیست؟

به‌نظر من این پدیده به تحلیل اقتصادی، اجتماعی نیاز دارد و من به عنوان روان‌شناس نظری ندارم.

اخیراً با توجه به بالا رفتن آمار طلاق به نظر می‌رسد بنیان خانواده سست شده





## نگاهی به یکی از زوج‌محورترین فیلم‌های تاریخ سینما

## چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟



عماد فرح‌نیا

زندگی اجتماعی ما به‌شکلی غیرقابل انکار دارای پیچیدگی و تضاد است و حتی اگر به واحدهای کوچک این حیات بپردازیم نه تنها از پیچیدگی‌های آن کاسته نمی‌شود بلکه به‌شکلی غریب بر عمق آن افزوده می‌شود. ازدواج یا آن چه در زبان فارسی پیوند زناشویی نام دارد، پدیده‌ای ریشه‌دار و کهن است لیکن نه تنها در تمامی طول قرون متمادی از پیچیدگی‌ها، معضلات، تناقضات و ناشناخته‌های آن کم نشده بلکه گستره عظیم اطلاعات و شاخص‌های فرهنگی و ملی با انواع گره‌های زندگی مدرن، بر آن پیچیدگی‌ها و سردرگمی‌ها افزوده است.

هنر هفتم خود محصول دوران مدرن بوده و هیچ کدام از دیگر هنرها به اندازه آن به ازدواج و هزار توی زندگی مشترک نپرداخته‌اند. این نشان‌دهنده ضعف هنرهای رفیعی چون اپرا (که شکل دراماتیک-نمایشی هنر موسیقی است) یا هنرهای تجسمی نیست، بلکه اولاً سینما ریشه در بافت‌های زندگی انسان معاصر دارد و ثانیاً سینما امکان وسیع‌تری برای نشان دادن در اختیار داشته و می‌تواند در قالب یک روایت به توصیف زندگی زناشویی و ابعاد و تناقضات موجود در آن بپردازد.

در سال ۱۹۶۶ یک اثر سینمایی در آکادمی اسکار و نیز بفتا شگفتی‌ساز شد. فیلم «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟» توانست به بیش‌ترین تعداد کاندیداتوری آکادمی اسکار برسد و تعداد زیادی از رشته‌ها در جوایز بفتا نیز به این فیلم اختصاص یافت؛ آن هم برای کارگردان بسیار جوانی که نخستین اثر بلند سینمایی خود را ارائه می‌کرد! این فیلم با صدای قهقهه و لنگار زنی آغاز می‌شود، درست همزمان با نقش بستن عنوان فیلم بر پرده. صدای الیزابت تیلور در نقش مارتا از دور به گوش می‌رسد و دوربین که با انتخاب بسیار هوشمندانه کارگردان به‌صورت سیاه و سفید روایت می‌کند، در سیاهی شب با زوجی که در حال نزدیک شدن به خانه خود هستند فیلم را آغاز کرده است. ریچارد برتون در نقش جرج، همسر مارتا، یک استادیار تاریخ است و رئیس دانشکده، پدر همسر اوست. از لحظه‌ای که این زوج وارد خانه می‌شوند شما با پردیالوگ‌ترین فیلم تاریخ سینما مواجهید؛ فیلمی که با دوچیز سرو کار دارد: انسان به‌عنوان موجودی دارای غریزه-عقلانیت و زبان. زبان برای بیان پیچیدگی‌های دیوانه‌وار زندگی در این فیلم انتخاب شده است.

زن از همان آغاز حالتی نیمه‌هشیار دارد که این حالت آرام آرام در تیرگی و برهنگی شب بیش‌تر می‌شود تا ناگزیر در این فرآیند با درونی‌ترین لایه‌های زندگی روبه‌رو شوید. بیننده در همان دقایق آغازین گفتگو بی می‌برد که زن در این‌جا موجودی سطحی‌تر، هوسران‌تر و وابسته به الکلی است و جرج به‌وضوح اشاره می‌کند که اگر شب‌نشینی‌های میگسارانه در خانه پدربود...

فضای خانه به‌شدت بی‌نظم، به‌هم‌ریخته و منزجرکننده است. قفسه‌های کابینت پوسیده و جرم‌گرفته و میز غذاخوری کوچک آشپزخانه هنوز حاوی بشقاب‌های آخرین وعده غذاست و زن در چنین محیطی بحث احمقانه‌ای را پیش می‌کشد تا نام یک فیلم را به‌خاطر بیاورد که در آن بتی دیویس پس از ورود به‌خانه گفته است «اینجا عین یه گنداب شده».

سیاه و سفید بودن فیلم، هوشمندی کارگردان فیلم بود برای بیان این نقد چرک و چروک از زناشویی در جامعه مدرن و هرگز نمی‌شد در فضای لوکس و پر از نشاط و رنگ فیلم‌های دهه ۶۰ به این مهم دست یافت، رنگ، هوشمندانه و عامدانه حذف شده‌است، نه بدون دلیل یا برای یک ژست روشنفکرانه مانند برخی فیلم‌های کنونی.

زن در حالی که ران مرغ را از یخچال برمی‌دارد و به آن نمک می‌زند و می‌خورد، در خصوص فیلم بتی دیویس حرف می‌زند. شوهر پاکت سیگار را درمی‌آورد و سیگاری روشن می‌کند ولی اهمیتی برای حرف‌های مارتا قائل نیست، چون می‌داند که فقط حرف است و مارتا حرف می‌زند، چون برایش مهم نیست که چه می‌گوید بلکه فقط می‌خواهد بگوید.

در این‌جا یک نقطه عطف ایجاد می‌شود: در حالی که پایان شب است، مارتا می‌گوید میهمان دارند! این جمله عجیب، تنش و ناراحتی را می‌افزاید و جرج معترضانه می‌پرسد «هیچ می‌دونی ساعت چند؟!»

اندکی بعد وقتی جرج از مارتا می‌پرسد «بینم، مرده جوون و خوشگل و خوش‌هیكله؟» مارتا پاسخ می‌دهد «آره» و جرج با تن صدایی که گویی برای شما رازی را فاش می‌کند می‌گوید: «آهان، خوب پس معلوم شد!»

زنک به‌صدا درمی‌آید و یک زوج جوان پشت در خانه منتظر هستند.

جرج سگال در نقش نیک و سندی دنیس در نقش هانی. در باروی ترش و درهم کشیده، باز و به مهمانان ناخوانده و ناعزیز خوشامد گفته می‌شود. بسیاری از منتقدین، حضور این زوج جوان را استعاره‌ای از خود مارتا و جرج می‌دانند؛ البته می‌تواند چنین تلقی شود که دیدار دو زوج است در دو مقطع زمانی با خوشتن.

تنش در فضا موج می‌زند. مارتا از رسته‌های که نیک، استاد جوان دانشکده تدریس می‌کند بی‌خبر است ولی آن را می‌ستاید و درحالی که مدام می‌گوید او استاد ریاضیات است، جرج می‌گوید او زیست‌شناسی می‌خواند و در آخر هانی به سخن می‌آید که نیک زیست‌شناسی درس می‌دهد.

این تعریف و تمجیدها به‌حدی ابلهانه و سبکسرانه است که بیننده حالش به‌هم می‌خورد، چون درمی‌یابد که مارتا چقدر احمقانه و بی‌دلیل نیک را ستایش می‌کند و ولنگاری پیشه کرده است.

در سکانسی که جرج به سمت انباری می‌رود و یک سلاح شکاری برمی‌دارد و دوربین از پشت او، نزدیک شدنش به مارتا را نشان می‌دهد،



بیننده برای لحظه‌ای او را محق می‌داند که مستقیم به زنش شلیک کند، اما این اثر یک کمدی سیاه است نه یک درام جنایی، پس از لوله اسلحه یک چتر رنگارنگ درمی‌آید!

فیلم که سراسر متکی بر تضاد است و نیش و کنایه‌های کاراکترها نسبت به‌هم در آن پایانی ندارد، درست به‌گونه‌ای کروی ادامه می‌یابد، یعنی بیننده هرگز نمی‌تواند در یابد اساساً سر این رشته از کجا می‌آید. آیا ابتدا و انتهای برای آن می‌توان تصور کرد؟ به‌عنوان مثال مارتا به نیک می‌گوید «جرج (همسر) هروقت صحبت از عضلات قوی می‌شه، اخماش می‌ره تو هم!» یا در گفتگوی طولانی میان دو شخصیت مرد فیلم در حیاط خانه که هریک از رازهای احمقانه خود سخن می‌گویند، نیک می‌گوید یک وقتی هانی صورت و بدنش پف کرده بود و مطمئن بودیم این به‌خاطر بارداری است و بعد فهمیدم ابداً باردار نبوده! و هر دو می‌خندند. اما این رشته به‌واقع آغاز و انجائی ندارد و تا پایان نیز نخواهد داشت، چون زندگی همین است. اما بیش‌ترین دلیل این نوع روایت، در چنین واقعیتی نهفته که فیلم برآمده از فضای یک نمایش نامه است و علی‌رغم تغییرات استادانه «رنست لمن»، فیلم‌نامه‌نویس پرآوازه آن دوران، باز هم به اصل نمایش «اودارد آلی» و فادار مانده است.

پردهدری و بی‌بروایی در نشان دادن رذالت، نداشتن و نقاط ضعف انسان از جمله ویژگی‌های برجسته سنت نمایش نامه‌نویسی و سینما در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی بود.

زنی مثل مارتا که دازم صدای قرح و قروح جویدن یخ‌های داخل لیوان نوشیدنی‌اش به گوش شما می‌رسد و همراه جرج، مثل همه زوج‌های دیگر، یک سلاح کهنه و کماکان به‌تصور خودش کارآمد دارند (یعنی زبان!) و آن را علیه دروغ‌ها و ضعف‌های راست یا دروغین هم به کار می‌برند و حتی چربی ازدواج و اصلت فرزند خودشان را زیر سؤال می‌برند، در جایی ناگزیر به پذیرش یک حقیقت می‌شوند: کسی که بیش از همه آزارش می‌دهند،

دقیقاً همان کسی است که بیش از همه عاشق آن‌هاست! این حقیقت از دهان مارتا بیان می‌شود: مارتایی که تسلیم هوای نفس شده ولی انواع تحقیرها را به‌جانب نیک روانه می‌کند. مارتا که در آغاز بی‌دلیل نیک را ستایش می‌کرد و به‌دروغ او را می‌ستود، اکنون از پشت پنجره به تاریکی باغ نگاه می‌کند و می‌گوید: «فقط یک مرد بوده که تونسته من رو خوشحال کنه... می‌دونی کی؟» نیک می‌گوید: «یه قهرمان زیبایی اندام؟» مارتا پاسخ می‌دهد: «جرج! کسی که می‌دونم من رو دوست داره ولی من بهش بدی می‌کنم... همون جرجی که بزرگ‌ترین اشتباه زندگی‌ش، دوست داشتن من بوده!»

از این‌جا گویی پرده پایانی نمایش رقم می‌خورد و اشباح و اوهام و خیالات که زائیده جهل یا تصورات ناشی از شیفتگی شهوانی‌اند، کنار می‌روند تا حقیقت هر چند مبهم و غبارآلود و چندوجهی، خود را عیان کند و آدمی براساس دانش و عمق خرد و میزان ایمانش بتواند آن را ببیند.

سپیده‌دم که نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود، دو میهمان در همان شب ماندگار می‌شوند و داستان با همان جرج و مارتا که آغاز شده است پایان می‌یابد؛ دونفری که هزاران واژه گفتند و باز در نهایت خودشان مانده و دیگران رفته‌اند. جرج علی‌رغم آن همه شک و پرده‌داری، باز هم زندگی خود را در پرتو این درهم‌تنیدگی با مارتا می‌فهمد و دیگر نمی‌تواند زندگی در عزلت یا نابودی خانه را تحمل کند و این استادی تمام‌عیار نویسنده و کارگردان است که روایت را همچون خود زندگی این‌گونه پرنشیب و فراز و درعین حال موردپذیرش قرار داده است.

زندگی در فضای دهه ۶۰ آمریکا و جامعه متأثر از «بیتلز» و سرخوردگی جنگ ویتنام و قتل فجیع کندی و غیره، همه از جمله دلایل درک این فضا است. اما نکته حائز اهمیت، زندگی زناشویی ریچارد برتون و الیزابت تیلور است که دقیقاً در آن مقطع زمانی، سال‌ها بود که با هم زندگی مشترک داشتند و به‌همین دلیل طنز سیاه و گزنده فیلم را تا این حد خوب پردازش کرده و صیقل داده‌اند. ریچارد برتون، جایزه بفتای بهترین بازیگر نقش اول مرد و الیزابت تیلور و سندی دنیس به‌ترتیب جایزه نقش اول و دوم زن را از آکادمی اسکار دریافت کردند.

فیلم ادعای گفتن راه‌حل ندارد که کار فیلم راه‌حل ارائه دادن نیست. کارگردان، زبان کمدی سیاه را انتخاب کرده تا بتواند هرآن چه گفتنی دارد بگوید، به‌چاه اغراق و سیاه‌نمایی سقوط نکند و به‌دقیق‌ترین و ماندگارترین شکل به‌ذهن انسان تلنگر بزند که به‌واقع به چنین دستاوردی نیز رسیده است. محال است تلخی گزنده فیلم شما را به کاوش در خویشتن و پردازش چربی و چگونگی زندگی مشترک وادار نسازد، حتی اگر هنوز ازدواج نکرده باشید و در پرتو آینده به این مهم فکر کنید. شاید هیچ چیز به‌اندازه بینش انتقادی فیلم در زندگی زناشویی حقیقی کمک‌کننده نباشد و این پرسش که چرا قلب و ذهنی که روزگاری شیفته یکدیگرند در گذر زمان نه تنها می‌توانند این ویژگی را از دست بدهند بلکه تصمیم می‌گیرند راه سعادت خود را در کوره‌راه جدایی و پایان بجویند، چه می‌شود که چنین می‌شود؟ معرفت زوج و زوجه چه تغییری می‌کند و چه میزان از تصورات و باورهایشان نسبت به یکدیگر دستخوش تغییر می‌شود و چرا؟

قریب به ۶۰ سال پس از ساخته شدن فیلم، وقت درنگ درباره جامعه خودمان نیز رسیده است. اگر در سال ۱۳۴۴ فیلم «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟» را در مقایسه با جامعه عمدتاً روستایی ایران و حتی زوج‌های شهرنشین پایتخت بررسی می‌کردیم، شاهد نوعی دوری تام و تمام از رویکرد طنزانه ولی کاملاً تلخ و گزنده فیلم از یک جامعه سنتی با ارزش‌ها و اخلاقیات خاص خود بودیم که پدیدارهایی به‌نام طلاق یا فساد در همه گونه‌های آن در حاشیه بود (فساد در سطح خانواده و مفاهیم متعلق به آن) اما امروز حدود شش‌دهه پس از آن، اگر بنا باشد اوضاع را با نگاهی آسیب‌شناسانه و نه تואً با تلطیف و سانسور، بررسی کنیم شاهد چه چیز خواهیم بود؟ بی‌راه نیست اگر از سر نقد و کاوش بیش‌تر با حقایق مواجه شویم که روزگاری تا این حد دور و عجیب بودند و امروز ملموس و عینی‌یافته در همین جامعه!

هنوز هم مهم نیست چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد، هنوز هم مهم نیست که کسی حتی یک اثر از آثار ویرجینیا وولف را خوانده یا نه، ولی باید مهم باشد که زوج‌های رخدادهایی شبیه به آن چه در خانه مارتا و جرج می‌گذشت را ۶۰ سال بعد کماکان در زندگی تجربه می‌کنند و چرا.



